

بررسی تاثیرات مولفه‌های کیفی فضاهای عمومی در ایجاد خاطره‌انگیزی بر مبنای جنسیت (مطالعه موردی: فضاهای شهری قزوین)

^۱ نرگس محمودی، شادی پاکزاد^{۲*}، مسعود الهی^۳

^۱ پژوهشگر دکتری، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
^۲ استادیار، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. نویسنده مسئول.
^۳ استاد، گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵

چکیده

این پژوهش به واکاوی حس خاطره‌انگیزی از دیدگاه جنسیتی و پیوند آن به زندگی روزمره در فضاهای عمومی شهری می‌پردازد. هدف از مطالعه پیشرو، بررسی مولفه‌های کیفی فضاهای عمومی در ایجاد خاطره‌انگیزی بر مبنای جنسیت است که با بررسی فضاهای شهری مهم شهر قزوین سعی شده است تحلیلی مبتنی بر ایجاد خاطره‌انگیزی در این فضای شهری ارائه شود. سوال اصلی پژوهش، درباره نحوه ارتباط ابعاد مختلف فضاهای عمومی شهری با شکل‌گیری الگوهای خاطره‌انگیزی بر مبنای جنسیت است. این تحقیق به روش تلفیقی کمی و کیفی و رویکرد پژوهش از نوع همبستگی است. اطلاعات به روش مصاحبه ژرف‌نگر به صورت هدایت گردآوری شده است و تجزیه و تحلیل داده‌های بخش کیفی با استفاده از تکنیک تم و با نرم‌افزار MAXQUADA2022.4 انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌های بخش کمی با استفاده از نرم‌افزار SPSS24 و در سطح استنباطی برای آزمون مدل، از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری از نرم‌افزار Amos24 استفاده گردید. در گام اول بر اساس تکنیک مصاحبه، ۶ مولفه اصلی و ۲۴ زیرمولفه به عنوان مولفه‌های کیفی فضایی موثر بر خاطره‌انگیزی بر مبنای جنسیت شناسایی شدند، سپس با استفاده از داده‌های حاصل از پرسش‌نامه شهروندان و تحلیل عاملی و معادلات ساختاری مولفه‌ها در قالب ۶ عامل؛ کالبدی، اجتماعی و بومی، فضایی، فرهنگی و ارزشی، ادراکی و روان‌شناختی قرار گرفتند. در ادامه نیز به بررسی تفاوت دیدگاه شهروندان زن و مرد در مورد تاثیر این عوامل بر کیفیت فضاهای شهری در ایجاد حس خاطره پرداخته شد که نتایج به دست آمده نشان داد در مولفه‌های اجتماعی و بومی، مولفه‌های فضایی، مولفه‌های فرهنگی و ارزشی، مولفه‌های ادراکی در دیدگاه زنان و مردان تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود و بهره‌مندی مردان از پیکربندی و طراحی فضاهای مورد اشاره در ایجاد حس خاطره‌انگیزی در شهر قزوین بیشتر از گروه زنان است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که زنان میان حقوق خود در ایجاد پیکربندی فضاهای شهری و تعلق خاطره‌انگیزی به شهر ارتباط معناداری می‌بینند.

■ **واژگان کلیدی:** فضاهای شهری، خاطره‌انگیزی، تفاوت‌های جنسیتی، تحلیل ساختاری، قزوین.

* نویسنده مسئول: E-mail: shadi.pakzad@gmail.com

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "بررسی تاثیر پیکربندی فضاهای شهری بر خاطره‌انگیزی برای شهروندان بر مبنای جنسیت (مورد مطالعاتی: فضاهای شهری قزوین)" می‌باشد که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین انجام شده است.

مقدمه

فضاهای شهری یکی از برجسته‌ترین عرصه‌های بروز هویت، فرهنگ و تمدن هستند که بستری مناسب برای کسب دیدگاهی نسبتاً کامل از کیفیت زندگی ساکنان هر جامعه‌ای فراهم می‌کنند. در این فضاهاست که می‌توان زندگی روزمره شهروندان را که تحت‌تاثیر هم‌زمان ساختار و شکل فیزیکی فضا و همچنین کمیت و کیفیت رویدادهای اجتماعی قرار دارد، مشاهده کرد. عملکرد فضاهای شهری در شکل‌دهی به شهر با تاکید بر تصاویر ذهنی ساکنان آن نقش حیاتی دارد. نقش مهم فضاهای شهری در دسترسی‌پذیری برای همه اعضای جامعه بدون در نظر گرفتن جنسیت، سن یا قومیت نهفته است. تحقق مفهوم "شهر برای همه" موضوع بسیار مهمی است، زیرا هرگونه ضعف در این زمینه به طور مستقیم بر کیفیت زندگی و در نهایت تصویر شهر تاثیر می‌گذارد. در دهه‌های اخیر، شهرها تغییرات جمعیتی، فیزیکی و اقتصادی - اجتماعی قابل توجهی را تجربه کرده‌اند. رشد شهری وضعیت شهر را تغییر داده و پایه‌های ارتباطی قدیمی را مختل کرده است که به محیط‌زیست و سازماندهی شهری آسیب رسانده است؛ بنابراین، ضروری است که فضاهای عمومی شهری به‌عنوان مقاصد مورد نظر شهروندان شناخته شوند. فضاهایی که نقش حیاتی در برآوردن همه تجربیات فردی و جمعی دارند. رابطه بین انباشت خاطرات شهری و عامل زمان منجر به تفسیرهای مختلف و تحقیقات گسترده در زمینه مداخلات و توسعه‌های جدید در بافت شهری و همچنین تعامل بین نسل‌های مختلف از نظر شکل و محتوا در کنار یکدیگر می‌شود. به دلیل این روابط، تمایل به برنامه‌ریزی برای افزایش ماندگاری و درک بصری محیط‌های شهری با در نظر گرفتن هویت و میراث خاطرات شهروندان وجود دارد. در نتیجه، فضاهای شهری صرفاً موجودیت‌های فیزیکی نیستند، بلکه موجودات زنده‌ای هستند که بازتاب تجربیات و خاطرات جمعی ساکنان خود هستند. درک اهمیت این فضاها در شکل‌دهی به هویت و کیفیت زندگی برای همه اعضای جامعه برای ایجاد شهرهای فراگیر و پویا ضروری است؛ بنابراین، اولویت‌بندی توسعه و حفظ فضاهای شهری که نیازها و تجربیات متنوع شهروندان را برآورده می‌کند، لازم است. با انجام این کار، می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که محیط‌های شهری پویا، فراگیر و بازتابنده‌ی بافت غنی تجربیات انسانی باقی می‌مانند (کرمی و دیگران، ۱۳۹۷، ۳۶).

فرایند ادراک شهری فرایندی ذهنی است که از طریق تعامل بین انسان و محیط اطرافش صورت می‌گیرد. انسان پیام‌های حسی را از محیط دریافت می‌کند و تصویری ذهنی از آن ایجاد می‌کند. یکی از عوامل موثر در شکل‌دادن به این تصویر، خاطرات شخصی یا جمعی مرتبط با محیط است. خاطرات وقایع و تجربیات گذشته هستند که در ذهن ذخیره و بازسازی شده‌اند و به‌عنوان یادآور گذشته‌ای هستند که در افکار انسان باقی‌مانده است. اگر مکانی دارای ویژگی‌های فیزیکی متمایز با سازه‌های برجسته باشد، باید از کیفیت فضایی خاصی برخوردار باشد. ساختار فیزیکی و فضا، رویداد را به یادماندنی‌تر می‌کند و ارتباط بین رویداد و مکان را تشدید می‌کند. همان‌طور که حافظه فضا را در ذهن زنده نگه می‌دارد، فضا نیز در یادآوری خاطره اهمیت پیدا می‌کند (اسکندری و دیگران، ۱۳۹۴، ۲). در دهه‌های اخیر، تمرکز فزاینده‌ای بر برابری و عدالت در استفاده از فضاهای شهری وجود داشته است. این توجه منجر به بازبینی برنامه‌ریزی و سیاست‌های شهری با تمرکز خاص بر رسیدگی به برابری و عدالت جنسیتی در سیستم شهری شده است. جنسیت به‌عنوان یک مولفه پنهان در رابطه با فضای شهری، اغلب نادیده گرفته شده است. رسیدگی به برابری جنسیتی در فضاهای شهری نیازمند رویکرد چندجانبه‌ای است که نیازها و تجربیات خاص جنسیت‌های مختلف را در نظر می‌گیرد. این شامل تضمین فضاهای عمومی ایمن و روشن، ارائه حمل‌ونقل عمومی قابل‌دسترسی و ایجاد مناطق تفریحی است که برای همه افراد فراگیر و پذیرا باشد. علاوه بر این، سیاست‌های شهری باید به مسائلی مانند آزار و اذیت و خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی و همچنین ارائه امکانات کافی مراقبت از کودک برای حمایت از مشارکت زنان در زندگی شهری بپردازد. همچنین، مشارکت جنسیتی متنوع در برنامه‌ریزی و طراحی شهری برای ایجاد فضاهای فراگیر و برابر ضروری است. با پذیرش تنوع هویت‌های جنسیتی، فضاهای شهری می‌توانند برای همه اعضای جامعه پذیراتر و حمایتی‌تر شوند. برای دستیابی به برابری جنسیتی در فضاهای شهری، مشارکت با جوامع محلی و دخیل کردن صداهای متنوع در فرایندهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری ضروری است. این کار را می‌توان از

طریق رویکردهای مشارکتی انجام داد که به افراد قدرت می‌دهد تا دیدگاه‌ها و تجربیات خود را در توسعه سیاست‌ها و پروژه‌های شهری مشارکت دهند. با تمرکز بر صدای جنسیت‌های به حاشیه رانده شده، برنامه‌ریزی شهری می‌تواند پاسخگوتر به نیازهای همه اعضای جامعه باشد.

در نتیجه، رسیدگی به برابری و عدالت جنسیتی در فضاهای شهری یک تلاش پیچیده و چندوجهی است که نیازمند بازبینی جامع برنامه‌ریزی و طراحی شهری است. با ادغام دیدگاه‌های جنسیتی در سیاست‌ها و پروژه‌های شهری، می‌توان فضاهای فراگیر، ایمن و برابر ایجاد کرد که از نیازها و تجربیات متنوع همه افراد حمایت می‌کند. این رویکرد نه تنها به نفع جنسیت‌های به حاشیه رانده شده است، بلکه به رفاه کلی و پویایی جوامع شهری نیز کمک می‌کند. (Holmes, 2008, 44). علی‌رغم تفاوت‌های بین زنان و مردان از نظر جنسی و جنسیت، مهم است که بدانیم نیازهای متفاوتی دارند. باتوجه‌به اینکه زن و مرد تجربه‌های متفاوتی در زندگی دارند، می‌توان گفت که جنسیت نشان‌دهنده یک نوع رابطه است. نتایج پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که با وجود هم‌زیستی مسالمت‌آمیز فضایی، مردان و زنان، نه تنها از فضا به شیوه‌های متفاوتی استفاده می‌کنند، بلکه تجربیات آن‌ها از فضا نیز تا حدودی متفاوت است. فضاهای شهری برای زنان به دودسته فضاهای «امن» و «ناامن» تقسیم می‌شود. این امر باعث می‌شود که زنان ترجیح می‌دهند برای تردد از بعضی از فضاهای شهری با وجود همراه یا با استفاده از خودرو عبور کنند. (Stevenson, ۲۰۱۴, ۷۵-۷۷). تقسیم فضاهای شهری به «ایمن» و «ناایمن» توسط زنان، پیامدهای مهمی برای برنامه‌ریزی و طراحی شهری دارد. این نیاز به ایجاد فضاهای شهری که توسط زنان ایمن تلقی می‌شود و همچنین پرداختن به عواملی که در درک فضاهای خاص به‌عنوان ناامن نقش دارند، برجسته می‌کند. این می‌تواند شامل عواملی مانند روشنایی، دید، حضور پرسنل امنیتی و پویایی اجتماعی در فضا باشد. علاوه بر این، تجربیات متفاوت مردان و زنان با فضاهای شهری نیز پیامدهایی برای برنامه‌ریزی حمل‌ونقل دارد. ترجیح زنان برای حرکت به‌تنهایی یا با دیگران در فضاهای شهری خاص یا با ماشین نشان‌دهنده نیاز به گزینه‌های حمل‌ونقل است که این ترجیحات را برآورده می‌کند. این می‌تواند شامل ابتکاراتی مانند بهبود خدمات حمل‌ونقل عمومی، زیرساخت‌های پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری ایمن و اقداماتی برای رسیدگی به نگرانی‌های ایمنی مرتبط با استفاده از حمل‌ونقل عمومی باشد.

در فضاهای شهری، مفهوم خاطره، با واژه‌های چون احساس تعلق و هویت مترادف است. تلاش برای ایجاد فضاهای نمادین و دارای اهمیت تاریخی، درعین‌حال که برای عموم قابل‌دسترسی است، در بسیاری از کشورهای جهان به اشکال مختلف فیزیکی و فضایی رواج دارد. این تلاش نه تنها چشم‌انداز شهری را غنی می‌کند، بلکه یادآور میراث فرهنگی است که تجارب امروزی ما را شکل می‌دهد. در اصل، حفظ و ارتقای این فضاهای شهری خاطره‌انگیز به روایتی جمعی کمک می‌کند که از زمان فراتر می‌رود و جوامع را در قدردانی مشترک از تاریخشان متحد می‌کند. چرا که تصویر ذهنی از فضاهای شهری در ذهن افراد مختلف جامعه مخصوصاً جنسیت افراد متفاوت می‌باشد. همچنین ساختار فضایی و کالبدی فضای شهری می‌تواند منجر به ایجاد تصاویر ذهنی مثبت و یا منفی در ذهنیت افراد مختلف جامعه از جمله زنان و مردان شهر شود. ساختار کالبدی محیط با تاثیرگذاری بر حواس پنج‌گانه انسان، می‌تواند ادراک و احساس‌های متفاوتی از فضای سه‌بعدی را برای افراد ایجاد نماید. از این‌رو، می‌توان درک فضای سه‌بعدی از سوی ناظر را از وجوه حواس مختلف بینایی، شنوایی و غیره مورد تجزیه و تحلیل قرارداد که به دلیل مسائل فیزیولوژیکی زنان و مردان این ادراک از فضای سه‌بعدی می‌تواند متفاوت باشد.

مطلوبیت یک فضای شهری به توانایی پاسخگویی فضا به نیاز استفاده‌کنندگان آن بستگی دارد که یکی از مهم‌ترین معیار مطلوبیت فضای شهری نوع پیکربندی و ساختار فضای شهری است که در همه ابعاد عینی، ذهنی و ادراکی شهروندان (زنان و مردان) تاثیر بسزایی دارد. این در حالی است که بررسی‌ها نشان می‌دهد زنان به دلیل شرایط خاص خود رفتار با فضا و همچنین مسئولیت‌های محول شده بر آن‌ها در زندگی روزمره، بیشتر از مردان با فضا مرتبط هستند و مدت‌زمان بیشتری را هم در فضا صرف می‌کنند (فرانک، ۲۰۰۲). یکی از جنبه‌های مهم فضای شهری، توانایی آن در ایجاد تصویرسازی و برانگیختن خاطرات در ذهن افراد است. علاوه بر عوامل محیطی، پیکره‌بندی و ساختار فضای شهری به شکل‌گیری

ذهنیت‌های مختلف در مردان و زنان درون شهر کمک می‌کند. زنان تمایل دارند انرژی بیشتری را در محیط‌های شلوغ نسبت به مردان صرف کنند که منجر به خستگی و تحریک‌پذیری زودتر می‌شود. تجسم فضایی یکی از قوی‌ترین توانایی‌های مردان است که زنان در تشخیص اشکال دوبعدی و مردان در تجسم اشیا سه‌بعدی سرآمد هستند. حس جهت در مردان قوی‌تر از زنان است و به دلیل تجسم فضایی بهتر، مردان قادر به حرکت موثر در نقشه‌های شناختی، درک موقعیت خود و شناسایی عناصر مهم در فضای شهری هستند. از آنجایی که نقشه‌های شناختی نمایانگر یک دیدگاه خلاصه و کلی از واقعیت هستند که فقط عناصر اساسی شهر در نظر گرفته می‌شوند، مردان ممکن است با حفظ جزئیات مشکل داشته باشند. برای رفع نقاط ضعف زنان در جهت‌گیری فضایی، استفاده از نشانه‌های برجسته به‌عنوان نشانه ضروری است، درحالی‌که برای ارتقای جهت‌گیری فضایی مردان در شهر، گنجاندن نشانه‌های بزرگ و کلی کافی است. با این حال، این تفاوت‌ها اثرات متقابلی بر یکدیگر دارند. از آنجایی که تفاوت‌های جنسیتی مختص هر فرهنگ است، بررسی زمینه فرهنگی که قصد طراحی آن را داریم ضروری است و طراحی را به مفهومی مبتنی بر موقعیت تبدیل می‌کنیم. درک تاثیر جنسیت بر ادراک فضای شهری برای ایجاد محیط‌های شهری فراگیر و اثربخش بسیار مهم است. با در نظر گرفتن توانایی‌های فضایی متفاوت زن و مرد، برنامه‌ریزان و طراحان شهری می‌توانند راهبردهایی را برای ارتقای تجربه هر دو جنس در درون شهر تدوین کنند. این ممکن است شامل ایجاد علائم واضح و سیستم‌های مسیریابی باشد که نقاط قوت و ضعف مردان و زنان را برآورده می‌کند. (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱، ۳۳۹). همچنین در رابطه با بررسی تفاوت هنجار خاطره‌انگیزی برای مردان و زنان لازم است علاوه بر مرحله دریافت پیام‌ها از محیط اطراف توسط حواس، مرحله ادراک هم بررسی شود، در واقع باید به تفاوت این دو مرحله در ثبت خاطرات با حضور در فضاها برای زنان و مردان توجه لازم شود یا به عبارتی این سوال مطرح می‌شود که آیا در ثبت خاطره از حضور در یک فضا برای آن‌ها، تفاوتی در این دو مرحله وجود دارد؟

به‌عنوان یک ناظر خارجی، وقتی صحبت از بحث در مورد ساختار یک شهر می‌شود، مفهوم اولیه‌ای که به ذهن می‌رسد ممکن است مربوط به شکل فیزیکی آن باشد. این به این دلیل است که فرم فیزیکی به‌راحتی خود را نشان می‌دهد و لزوماً برای درک به پیشینه قابل توجهی نیاز ندارد. از طرفی به دلیل ماهیت مستقیم پیام‌های منتقل شده، ثبت خاطرات را برای کاربران تسهیل می‌کند و مهم‌ترین عاملی که بر ساختار یک شهر تاثیر می‌گذارد، رابطه بین توده‌ها و فضاهای آن است. از این رو، یکی از دلایل شباهت ساختارهای مدرن به یکدیگر و از بین رفتن تمایز آن‌ها، یکنواختی نظام پر و خالی حاکم بر آن‌ها است. حال با توجه به پیکربندی فضاهای شهری قزوین که در گذشت زمان شاهد تحولات بسیار زیادی بوده و به لحاظ تاریخی شهر طراحی‌های متفاوتی را به خود دیده است و امروزه شاهد ساختارهای کالبدی و فضایی متفاوت شهری هستیم که شاید در مواردی بار معنای پیکربندی فضاهای شهری در ذهن زنان و مردان مثبت و گاهی منفی تلقی شود. در واقع هدف نهایی دست‌یافتن به تفاوت معیارهایی جهت خاطره‌انگیز کردن فضاهای شهری از طریق هویت کالبدی و پیکربندی فضاهای شهری برای زنان و مردان شهر قزوین می‌باشد. در پژوهش حاضر، ابتدا معیارهای اولیه سنجش خاطرات برای زنان و مردان بر اساس مطالعات، تحقیقات قبلی و نظریه‌ها، تدوین می‌شوند. سپس هویت کالبدی، میزان تشخیص، حس تعلق و تاثیر پیکربندی فضاهای شهری به‌عنوان معیارهای اصلی در خاطره‌انگیزی فضا مورد کنکاش قرار می‌گیرد. به این ترتیب هدف از این مقاله بررسی مولفه‌های کیفی فضاهای عمومی در ایجاد خاطره‌انگیزی بر مبنای جنسیت (مطالعه موردی فضاهای شهری قزوین) است.

پیشینه پژوهش

در زمینه پژوهش درباره مولفه‌های فضای شهری و چگونگی تاثیر آن‌ها بر ایجاد حس خاطره‌انگیزی و الگوهای رفتاری شهروندان پژوهش‌های مختلفی در داخل و خارج از کشور انجام شده است. در تحقیق «تاثیر تنظیمات مکانی شهری و ساختارهای بدنی بر درک عابران پیاده» نویسندگان اظهار داشتند؛ افراد مختلف درک متفاوتی از فضای سه‌بعدی که در آن حرکت می‌کنند، دارند و توجه معماران به ادبیات طراحی

شهری، در بسیاری از موارد می‌تواند تعیین‌کننده الگوی رفتاری عابران پیاده در محیط باشد. در پژوهشی دیگر تحت عنوان «رفتار انسانی و پایداری محیط‌زیست»، نویسندگان بیان می‌کنند که محیط ساخته‌شده باید برای پشتیبانی از اهداف و الزامات انسانی استفاده شود، اما در همین زمان باید آن را به‌عنوان زمینه‌ای در نظر گرفت که ارزش‌ها و رفتارهای انسانی در آن قرار دارد (شکیب‌منش و قربانی‌فرد، ۲۰۱۸، ۱۱۵-۱۱۱). در پژوهشی دیگر با عنوان «جنسیت، فضای شهری و حق زندگی روزمره» محقق بحث حق به شهر و حق زندگی روزمره را از حقوق اساسی زنان می‌داند که باید توسط برنامه‌ریزان شهری مورد توجه قرار گیرد (بیبجون، ۲۰۱۶، ۳۳۴-۳۲۳). در پژوهش «یادگیری از تجربیات روزمره زنان عرب مسلمان در شهر نیویورک» نویسنده از طریق روش تحقیق کیفی و پدیدارشناسی به تجربه‌های حضور زنان در فضاهای شهری پرداخته است؛ نتایج تحقیق نشان داد که علاوه بر عواملی چون دسترسی و تسهیلات، عامل حفظ حجاب و زبان مشترک و توجه به معیارهای مذهبی بانوان در میزان حضورپذیری زنان تاثیرگذار بود (جانسون و مایلز، ۲۰۱۴، 1907-1892). در پژوهش‌های داخلی هم:

در پژوهشی با عنوان «تبیین عدالت جنسیتی در فضاهای شهری (مطالعه موردی: فضای شهری مجموعه خواهر امام رشت)» محققان به این نتایج رسیدند که در طراحی فضای شهری مذکور دیدگاه‌ها و نیازهای تمامی استفاده‌کنندگان از فضا دیده نشده و به دلیل وجود اعمال قدرت‌های تک‌بعدی مردانه در بازطراحی فضا، موجبات کاهش حضور بانوان و متعاقباً عدالت جنسیتی را در برداشته است (حمید پورحسین‌روشن و دیگران، ۱۴۰۰، ۱۴۵-۱۱۵). در تحقیق «مفهوم منظر شهری جهت ارتقای میزان خاطره‌انگیزی در فضای شهری» نویسندگان به این نتایج رسیدند که نقش منظر شهری به‌عنوان واقعیتی عینی در قلمروهای فضاهای عمومی را می‌توان با افزایش کیفیت نمادها و خاطرات جمعی و ارتباطات گروهی، مسبب به‌وجودآوردن خاطراتی برآمده از محل زندگی جمعی با حالتی اجتماعی به‌صورت چهار مرحله شامل؛ ۱. شکل‌گیری، ۲. ثبت، ۳. تداعی و ۴. انتقال را فراهم کند (پوراکبر و عباس‌زاده، ۱۴۰۰، ۵۱-۱). در تحقیقی با عنوان «ارزیابی عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهری، (مطالعه موردی: مرکز شهر تبریز)» محققان، به این نتایج رسیدند که فضاهای عمومی شهری برای انجام فعالیت‌های اجباری، اختیاری و مهم‌تر از همه، فعالیت‌های اجتماعی هستند و حضور در فضا حق مسلم زنان است و همانند مردان باید از شرایط برابر برای حضور در فضاهای شهری برخوردار باشند و تاکید داشته‌اند که زنان مهم‌ترین انتقال‌دهنده‌های انگاره‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه هستند، لذا هرگونه خلا عاطفی یا فقدان احساس امنیت و آرامش در بین آن‌ها، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد که از هم‌گسیختگی، عدم انسجام در خانواده و روابط آشفته درون و برون خانوادگی از جمله نتایج آن است (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۷، ۲۴۳-۲۱۹).

علت انتخاب این نمونه‌ها برای این پژوهش بررسی طیف وسیعی از شهروندان برای ارزیابی مولفه‌های کیفی فضاهای عمومی شهر بود. تحلیل کیفی و بررسی پاسخ‌ها و نتایج گوناگونی انگیزه‌ها نشان خواهد داد که واکنش فضاهای شهر قزوین به شهروندان و برعکس معادله‌ای است که تنها با کشف سوگیری‌های سوژه‌ها حل خواهد شد. این سبب می‌شود که مسئولین و عاملین شهرسازی به تعادل ادراکی مکان‌ها و فضاها بر اساس نتایج این پژوهش اقدام کنند.

■ مبانی نظری

فضای شهری نقش بسزایی در زندگی فردی و جمعی افراد داشته است. بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها از طریق تعاملات چهره‌به‌چهره در این فضاها رخ داده است. فضاهایی که با انجام فعالیت‌های مختلف و روابط بین آن‌ها، سبب نقش‌بستن تصویر درون ذهنی و سپس خاطره شهری می‌گردید (ترکاشوند و دیگران، ۱۳۹۶، ۶). این نقش‌بستن درون ذهنی، خود می‌تواند منجر به شکل‌گیری تصویری به‌صورت خاطرات فردی یا جمعی از محیط را موجب شود. خاطراتی که ماهیتی اجتماعی و جمعی دارند و میزان نفوذ آن‌ها در فضاهای شهری به‌وسیله مفاهیمی مانند رخدادها و حوادث هستند که در ساختار ذهنی انسان‌ها شکل‌گرفته و شامل باورهای یک گروه در یک دوره گذشته و اهداف و آرمان‌ها برای آیندگان را رقم می‌زنند (لیم، ۲۰۰۰).

■ خاطره جمعی و مولفه‌های تاثیرگذار در ایجاد خاطره

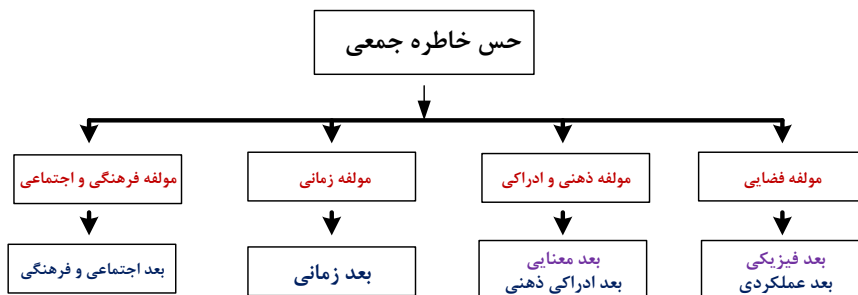
از دیدگاه هالبواکس، حافظه جمعی یک خاطره مشترک است، خاطره‌ای که به صورت اجتماعی رخ می‌دهد و ظرفیت روانی دارد. همه چیزهایی را در برمی‌گیرد که به طور انتخابی توسط اعضای یک گروه به خاطر سپرده می‌شود و مورد توافق قرار می‌گیرد و مانند یک افسانه در ذهن آن‌ها جای می‌گیرد. از دیدگاه ایرمن، حافظه جمعی با پیوند دادن یک ملت یا جامعه از طریق زمان یا مکان، هویت فردی را شکل می‌دهد. کوین لینچ معتقد است که وجود «تصویر ذهنی - زمانی» برای سلامت روان افراد در محیط ضروری است، مانند وجود «تصویر ذهنی - فضایی» از یک مکان.

حافظه جمعی نقش مهمی در شکل‌گیری هویت و فرهنگ یک جامعه دارد. از طریق حافظه جمعی است که جوامع رویدادها، سنت‌ها و شیوه‌های فرهنگی مهم را به یاد می‌آورند. این خاطرات اغلب از طریق نسل‌ها منتقل می‌شود و به تداوم و انسجام یک جامعه کمک می‌کند. یکی از جنبه‌های کلیدی حافظه جمعی، نقش آن در شکل‌دادن به روایت‌های تاریخی است. شیوه‌ای که یک جامعه از طریق آن گذشته خود را به یاد می‌آورد و تفسیر می‌کند و تاثیر عمیقی بر حال و آینده آن دارد. حافظه جمعی می‌تواند بر گفتمان سیاسی، جنبش‌های اجتماعی و هویت ملی تاثیر بگذارد. همچنین می‌تواند به عنوان ابزاری برای آشتی و شفا در عواقب درگیری‌ها یا حوادث آسیب‌زا عمل کند. علاوه بر این، حافظه جمعی می‌تواند منبع تاب‌آوری و توانمندسازی برای جوامع به حاشیه رانده یا تحت ستم باشد. با حفظ و به اشتراک گذاری داستان‌ها و تجربیات خود، این جوامع می‌توانند حضور خود را مطرح کرده و خواستار شناسایی سهم خود در جامعه شوند. حافظه جمعی همچنین می‌تواند به عنوان شکلی از مقاومت در برابر روایت‌های مسلط که به دنبال به حاشیه راندن یا پاک کردن تاریخ‌های خاص هستند، عمل کند. حافظه جمعی علاوه بر اهمیت فرهنگی و اجتماعی، پیامدهای روانی برای افراد جامعه نیز دارد. خاطرات و روایت‌هایی که به طور جمعی به اشتراک گذاشته می‌شوند می‌توانند یک فرد را شکل دهند (لینچ، ۱۹۷۲). از دیدی فو توان نیز مواجهه ما با اشیا و مکان‌های به جامانده از گذشته، این قدرت را دارد که حس روشنی از گذشته خویش را در ما ایجاد کند که این امر، رابطه تنگاتنگی با "هویت شخص" و "هویت مکانی" دارد (هول و دیگران، ۱۹۹۴) که ایجاد هویت مکانی نیز خود، موجب ارتقای حس مکان خواهد شد (جدول ۱).

جدول ۱. وجوه اهمیت خاطره جمعی از دیدگاه صاحب نظران (نگارندگان)

نظریه پرداز	دیدگاه های صاحب نظران	وجوه اهمیت خاطره جمعی
لینچ	ایجاد یک تصویر ذهنی-زمانی برای سلامت و بهداشت روانی افراد لازم است. (لینچ، ۱۳۷۲)	ایجاد یک تصویر ذهنی-زمانی
توان	مواجهه ما با اشیا و مکان‌های به جامانده از گذشته، حس روشنی از گذشته ایجاد کرده و موجب ایجاد هویت شخصی و هویت مکانی می‌گردد. (توان، ۱۹۷۷)	ایجاد حس روشنی از گذشته، ایجاد هویت شخصی و هویت مکانی
روسی	شهر، خود خاطره جمعی مردمش است و همچون خاطره در پیوند با اشیا و مکان‌هاست. (روسی، ۱۹۸۲)	پیوند خاطره با اشیا و مکان‌ها
هالبواکس	خاطره جمعی، خاطره اجتماعی است. خاطره جمعی، خاطره همیشگی یک گروه و به یادآوری گزینشی و توافق شده میان اعضای آن گروه می‌باشد. (هالبواکس، ۱۹۹۰)	توافق و پیوند میان اعضای جامعه
ایرمن	خاطره جمعی، هم برای فرد و هم برای جامعه بصورت نقشه زمانی ایجاد می‌شود که بدینوسیله یک جامعه را از طریق زمان یا فضا به هم پیوند می‌دهد. (ایرمن، ۲۰۰۲)	توافق و پیوند میان اعضای جامعه

پدیده حافظه و ارتباط آن با مکان‌های خاص مدت‌هاست که محققان و فیلسوفان را مجذوب خود کرده است. در حقیقت، توانایی یک حافظه واحد برای انتقال مستقیم ما به یک مکان خاص، گواهی قدرتمند بر رابطه پیچیده بین تجربیات ما و فضاهایی است که در آن زندگی می‌کنیم. انسان‌ها اغلب خود را به‌سادگی با حضور در فضایی که دیگران نیز اشغال می‌کنند، بینش‌ها و تجربیات منحصر به فردی به دست می‌آورند. این تجربه مشترک می‌تواند حس عمیقی از ارتباط ایجاد کند و افراد را نه تنها به کسانی که در حال حاضر در فضا به اشتراک می‌گذارند، بلکه به همه کسانی که فرایند مشابهی را در گذشته یا آینده تجربه کرده‌اند یا خواهند داشت، پیوند دهد. این فضاهای مشترک حس ثبات و تداوم را فراهم می‌کنند و به‌عنوان پس‌زمینه‌ای برای افراد برای شکل‌گیری خاطرات جمعی عمل می‌کنند. در این فضاهای مشترک است که مردم گرد هم می‌آیند تا تجربیات مشترکی را ایجاد و به اشتراک بگذارند. این تجربیات در اصل خاطرات جمعی را تشکیل می‌دهند که افراد را به هم پیوند می‌دهد. این فضاها چه یک میدان شهر شلوغ باشد، چه یک منظره طبیعی آرام، یا یک‌خانه سرشار از آرامش باشد، به‌عنوان بوم نقاشی عمل می‌کنند که خاطرات ما روی آن نقاشی شده‌اند. یکی از جذاب‌ترین جنبه‌های این پدیده روشی است که در آن خاطرات ما با فضاهای فیزیکی که در آن زندگی می‌کنیم درهم‌تنیده می‌شوند. یک رایحه خاص، یک صدای آشنا یا حتی آرایش خاصی از اشیاء می‌تواند به‌عنوان محرک عمل کند و فوراً ما را به لحظه‌ای از زمان برگرداند. این توانایی فضاها برای برانگیختن خاطرات، تاثیر عمیقی را که بر زندگی ما دارند برجسته می‌کند. علاوه بر این، مفهوم حافظه جمعی فراتر از خاطرات فردی است و روایت‌های فرهنگی و تاریخی مشترک را در برمی‌گیرد. فضاهای عمومی مانند موزه‌ها، بناهای تاریخی و بناهای یادبود نقش مهمی در حفظ و انتقال خاطرات جمعی در طول نسل‌ها دارند. این فضاها به‌عنوان یادآور ملموس رویدادها و چهره‌های مهم عمل می‌کنند و به جوامع اجازه می‌دهند تا برای احترام به یکدیگر گرد هم آیند (عسگری و نقیبی، ۱۳۹۲، ۸). بر این اساس با توجه به نظریه پردازها مولفه‌های شکل‌دهنده خاطره جمعی در چند دسته تقسیم می‌شوند. مولفه‌های شکل‌دهنده حس خاطره جمعی در تصویر ۱ به تفصیل بیان شده‌اند.



تصویر ۱. ابعاد و مولفه‌های شکل‌دهنده حس خاطره جمعی (لویکا، ۲۰۰۸).

پیکربندی فضایی

پیکربندی فضایی به چیدمان فضاها در کنار یکدیگر و رابطه متقابل آن‌ها اشاره دارد. مجموعه روابط بین فضاها را در برمی‌گیرد که در زمان و مکان خاصی وجود دارد (دیده‌بان و دیگران، ۱۳۹۲، ۴۰). پیکربندی فضایی اهمیت روابط فضایی در کل سیستم را برجسته می‌کند، و ذکر این نکته ضروری است که ویژگی‌های ذاتی هر فضا صرفاً نمایانگر تمام ویژگی‌های آن فضا نیست، بلکه موقعیت آن را در مجموعه کلی نشان می‌دهد و بخشی از آن را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، پیکربندی فضایی روابط متقابل عناصر فیزیکی محیط را به عنوان رابطه‌ای تحت تاثیر حضور همزمان حداقل یک عنصر سوم و شاید رابطه همه عناصر در یک مجموعه تعریف شده بررسی می‌کند. اصطلاح «ساختار فضایی شهری» به الگوهای کاربری اراضی، فرم، شکل و چیدمان مناطق شهری و همچنین توزیع فعالیت‌ها، عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده شهر اشاره دارد (نظریان، ۱۳۷۰، ۲۲). ساختار فضایی یک شهر شامل توزیع مناطق مسکونی و فعالیت‌های اقتصادی در یک فضای معین است. این ساختار در نتیجه فرایندهای بلندمدت تحت تاثیر ترجیحات مکانی و سیاست‌های عمومی تکامل می‌یابد. مناطق مسکونی

اغلب بر اساس عواملی مانند وضعیت اجتماعی-اقتصادی، پیشینه فرهنگی و ترجیحات سبک زندگی در کنار هم قرار می‌گیرند.

■ نظریه چیدمان فضا

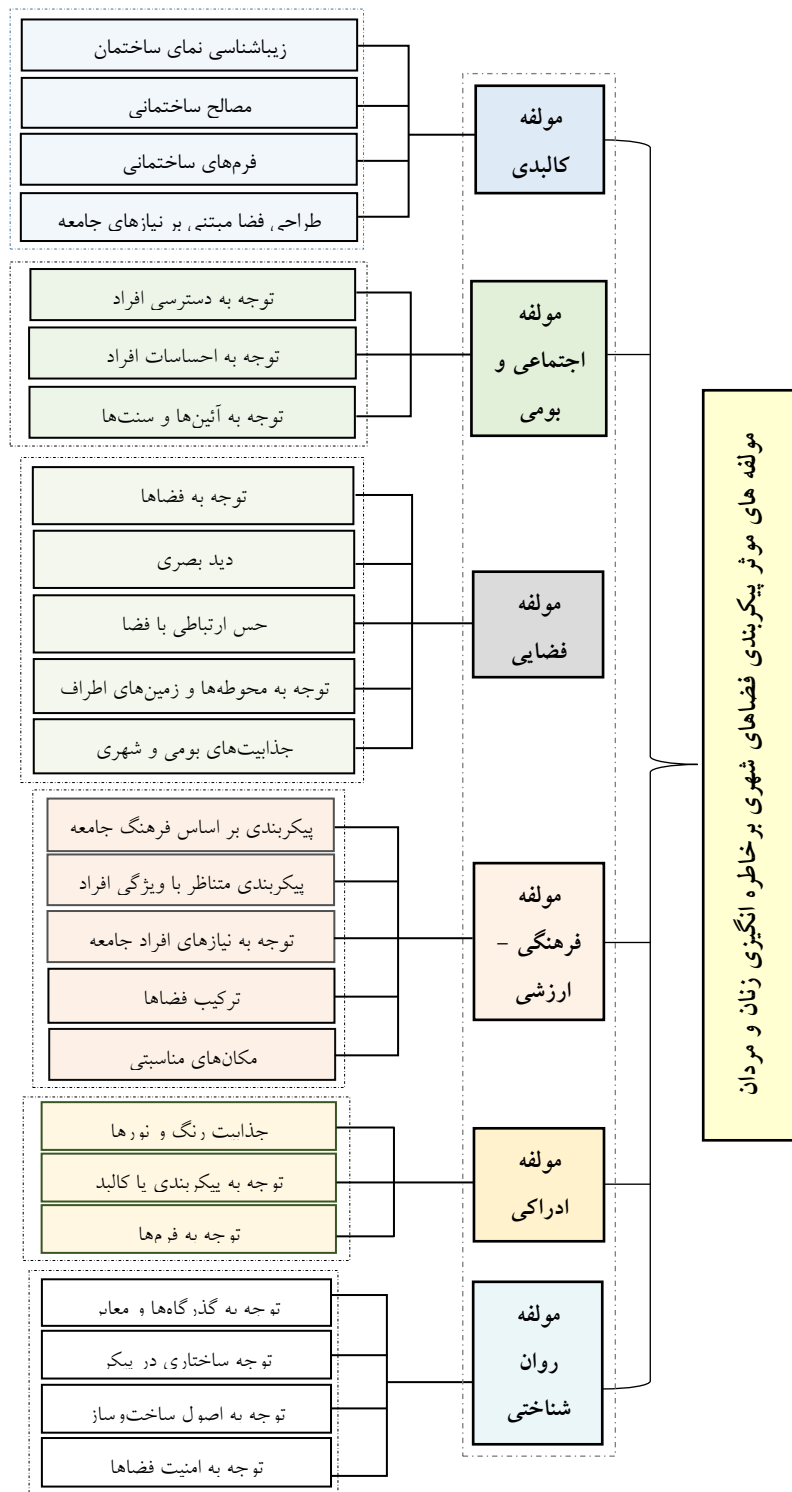
تئوری چیدمان فضایی در دهه ۱۹۷۰ توسط هیلیر و هانسون (۱۹۸۴) توسعه یافت و از آن زمان به طور گسترده در سراسر جهان پذیرفته شده است. این یک رویکرد نظری و تحلیلی است که از روش های گرافیکی و ریاضی برای نشان دادن رابطه بین مفاهیم شکل گرفته و فضای شهری استفاده می‌کند. یکی از اهداف اصلی آن دستیابی به پیچیدگی بسیار زیاد فضای شهری است به نحوی که فضا به‌عنوان یک متغیر در نظر گرفته شود. آرایش فضایی شامل استفاده از متغیرهای به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل پیکربندی فضایی برای درک الگوهای هندسی مختلف ایجاد شده توسط ساختمان‌ها و شهرها است. به عبارت دیگر، نظریه آرایش فضایی به عنوان نظریه ای برای تحلیل ساختار فضایی و نظم درونی یک سیستم شهری استفاده می‌شود (تمدن، ۱۳۸۲، ۳۷). مبانی نظری چیدمان فضایی در فضای انسانی بر دو فرض استوار است. فرض اول این است که فضا فقط یک رسانه غیرفعال نیست، بلکه یک ویژگی ذاتی است. حرکت انسان در فضای خطی با دیگران در فضای محدب تعامل دارد و این ایده‌های هندسی می‌توانند چگونگی تجربه انسان از فضا را توصیف کنند. فرض دوم این است که ویژگی‌های منحصربه‌فرد فضاها در شکل‌دهی به رفتار مخاطب در مقایسه با نحوه ترکیب آن‌ها با یکدیگر در پیکربندی آرایش فضایی که بر رفتار انسان تاثیر می‌گذارد، اهمیت چندانی ندارد (ریسمانچیان و سایمون، ۱۳۸۹، ۵۲). در مرحله بعد روش چیدمان فضایی روابط فضایی را به نمودار تبدیل می‌کند، رابطه ترتیبی فضاها را تحلیل می‌کند و ویژگی‌های فضا را در پارامترهای کمی و گرافیکی ارائه می‌دهد. اما امروزه کاربرد این فضاها در بافت شهرها نقش بسیار گسترده و اساسی تری به خود گرفته و از سه منظر کارکردی به آن پرداخته شده است: ۱- عملکرد زیست محیطی ۲- عملکرد کالبدی در ساختار شهر ۳- عملکرد اجتماعی- روانی (رضویان، ۱۳۸۱). در واقع فضای سبز شهری که معروف به «ریه‌های تنفسی شهرها» از جهت توزیع و پراکندگی از اهمیت خاصی برخوردارند. فضای سبز باید مجهز به امکانات و تجهیزات و وسایل ورزشی و تفریحی بوده و به لحاظ پراکندگی از شاخص صحیحی پیروی نماید. بنابراین تعیین محل بهینه فضای سبز به منظور به حداکثر رساندن آن و ارائه خدمات بهتر مورد توجه می‌باشد (هاشمی و رستمی، ۲۰۲۴، ۱۵۵).

■ جایگاه جنسیت در فضای شهری

از آنجاکه هیچ جنبه‌ای از زندگی کاملاً زنانه یا مردانه نیست، جهانی که در آن جدایی جنسی به افراط گراید، باعث تحریف واقعیت و تحکیم و دوام این تحریف می‌شود. رابطه جنسیت و فضای شهری امروزه یکی از بحث‌های اساسی برای طراحی مطلوب در مقیاس جهانی است. طرز تفکر و ساماندهی فضای زندگی تحت تاثیر ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره قرار گرفته است. ورود زنان به نیروی کار و جامعه، نقش آن‌ها را در تقسیم کار اجتماعی و کیفیت و توزیع حضور آن‌ها در عرصه عمومی تغییر داده و الگوهای جدیدی را ایجاد کرده است. باتوجه به طراحی مردانه شهرها و فضاهای شهری، کیفیت حضور، مشارکت و تعاملات اجتماعی نیمی از جامعه در این فضاها محدود مانده است (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱، ۳۲۳). جهان امروز ضمن توسعه‌ی شتابان و بی‌وقفه‌ی خود، در حال افزایش شکاف‌هایی میان گروه‌های مختلف اجتماعی است. در این بین، شیوع روزافزون شهرنشینی و تبعات آن، موجب حضور روزافزون گروه اجتماعی زنان در سطح جامعه شده است؛ این در حالی‌ست که توجه به تفاوت‌ها در ویژگی‌های زن و مرد در فضای شهری مشاهده نمی‌گردد و آن چه در فضاهای شهری بیشتر به چشم می‌خورد، توجه به ویژگی‌های مردان می‌باشد، باین‌حال، توجه به گروه اجتماعی زن و ایجاد شرایط مناسب جهت حضور آنان در فضای شهری، تاثیر شگرفی بر سرزندگی، نشاط و پویایی شهر خواهد گذاشت. از این‌رو شناخت این عوامل و یافتن راه‌های به‌کارگیری آن از یک سو موجب سلامت روانی افراد و از سوی دیگر موجب سرزندگی جامعه خواهد شد. به‌طور کلی فضای شهری در ایران به دو دوره سنتی و مدرن تقسیم می‌شود. در دوره اول، فضاهای عمومی محدود بود و بیشتر شامل مکان‌هایی مانند بازارها، مساجد و قهوه‌خانه‌ها بود که عمدتاً مردسالار بودند و زنان بسیار کمی در آن حضور

داشتند. در دوران مدرن، فضاهای عمومی جدیدی مانند پارک‌ها و مناطق اداری به دنبال تغییرات سیاسی و اجتماعی پدید آمدند، اما این امر لزوماً منجر به افزایش حضور زنان در جامعه نشد. تحقیقات حاکی از آن است که یکی از دلایل روان‌شناختی حضور محدود و بی‌کیفیت زنان در بسیاری از فضاهای عمومی در شهرها، تمرکز آن‌ها بر ابعاد زیبایی‌شناختی محیط، عناصر، پیکره‌بندی شهری و عدم تنوع معماری که با ویژگی‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی زنان همسو است، است. در این راستا، توجه به ویژگی‌های معماری زنانه فضاهای شهری، از محیط کار گرفته تا مبلمان شهری، می‌تواند در افزایش میل زنان و کاهش ترس آن‌ها از حضور در شهر مؤثر باشد (نادری، ۱۳۹۲، ۲۱۲). فضاهای شهری باید عدالت جنسیتی را در دسترسی و ارائه خدمات لازم برای کاربران فراهم کنند. در واقع نباید فراموش کرد که همه کاربران حق دارند از فضا لذت ببرند، نیازهای اجتماعی منحصربه‌فرد خود را برآورده کنند و حس اجتماعی را در محیط تجربه کنند. رابطه جنسیت و فضای شهری یکی از ابعاد رابطه بین فضای شهری و فرهنگ است. در مطالعه این بعد به رابطه بین بدن انسان و فضا می‌پردازیم. فضاها را می‌توان به‌گونه‌ای طراحی کرد که بر اساس ماهیت آن‌ها به سمت مردانگی یا زنانگی متمایل شوند یا تجربیات متفاوتی را برای هر جنسیت ارائه دهند. در این زمینه، گفتمان‌های فمینیستی به‌ویژه بر خود تأکید می‌کنند و تلاش می‌کنند تا روابط زنان را در فضاهای مردسالارانه تحلیل کنند. در نتیجه این تحلیل‌ها، مفاهیمی مانند تجارب زنان از فضای شهری، عدالت جنسیتی در فضا، ایمنی، رضایتمندی، حقوق شهروندی زنان و مشارکت آن‌ها در امور شهری مطرح می‌شود.

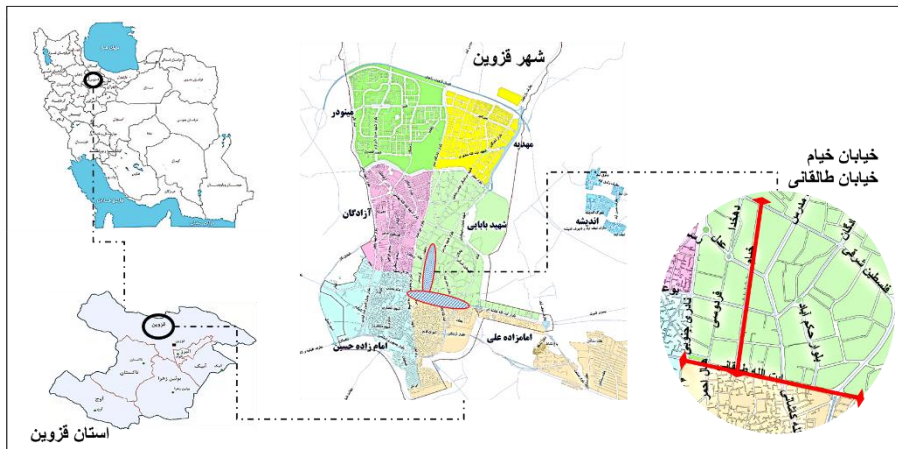
باتوجه به ادبیات نظری و اهداف پژوهش لازم است مولفه‌های مؤثر پیکربندی فضاهای شهری بر خاطره‌انگیزی زنان و مردان مشخص شود و میزان تاثیرپذیری هر کدام از مولفه‌ها و زیرمولفه‌ها را بر میزان ایجاد حس خاطره‌انگیزی در زنان و مردان شهر بررسی کنیم تا در نهایت به پاسخی مشخص و ارائه پیشنهاد برسیم. باتوجه به متغیرهای اصلی پژوهش و ارتباط آن‌ها در ایجاد حس خاطره‌انگیزی در زنان و مردان، مولفه‌های کالبدی، مولفه اجتماعی و بومی، مولفه فضایی، مولفه فرهنگی - ارزشی، مولفه ادراکی و مولفه روان‌شناختی در ایجاد حس خاطره‌انگیزی تاثیر بسزایی دارند. (تصویر ۲)



تصویر ۲. مدل مفهومی پژوهش. (نگارندگان)

روش تحقیق

این پژوهش از نوع ترکیبی کمی و کیفی و نوع رویکرد تحقیق، روش همبستگی و بررسی مولفه‌های فضایی بر ایجاد خاطرهانگیزی بر مبنای جنسیت در فضاهای شهرهاست. همچنین این پژوهش بر اساس هدف از نوع بررسی خصوصیات فیزیکی، فرهنگی، هویتی و ادراکی است. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش شهر قزوین است. این تحقیق در زمره تحقیقات کاربردی است؛ از این نظر کاربردی است که به سمت کاربرد عملی دانش و نتایج حاصله در جهت حل مشکل هدایت می‌شود. در این پژوهش اطلاعات به روش مصاحبه ژرف‌نگر به صورت هدایت گردآوری شده است و مشارکت‌کنندگان در آن تعداد ۱۲ نفر که شامل خبرگان آگاه جامعه علمی و دانشگاهی، متخصصان و مدیران در حوزه شهرسازی در فضاهای شهری بودند که از طریق برگزاری جلسه گروه مورد مصاحبه قرار گرفتند. در پژوهش حاضر مصاحبه‌های ضبط شده پس از پیاده‌سازی، با استفاده از روش تحلیل تم به صورت سطر به سطر بررسی، مفهوم‌پردازی، مقوله‌بندی و سپس، بر اساس مشابهت، ارتباط مفهومی و خصوصیات مشترک بین کدهای باز، مفاهیم و مضامین مشخص شدند. به منظور حصول اطمینان از اعتبار تحقیق کیفی و اطمینان از صحت یافته‌ها از دیدگاه محقق، نظرات ارزشمندی از کارشناسان و متخصصان آگاه در این زمینه جویا شد. علاوه بر این، از مشارکت، مشارکت‌کنندگان در تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها نیز استفاده شد. این رویکرد باهدف افزایش اعتبار و قابل اعتماد بودن مطالعه کیفی، با ترکیب دیدگاه‌ها و تخصص‌های متنوع انجام شد. این تحقیق با درگیر شدن با افراد مجرب آشنا به موضوع، به دنبال غنی‌سازی عمق و دقت یافته‌های خود بود. این رویکرد مشارکتی و مشورتی نه تنها قابلیت اطمینان نتایج تحقیق را تقویت کرد، بلکه درک جامع‌تری از پدیده‌های مورد بررسی را نیز فراهم کرد. برای دستیابی پاسخ به سوال پژوهش، پس از گردآوری، داده‌هایی که از دل مصاحبه‌های عمیق کدگذاری می‌شود، تجزیه و تحلیل می‌گردد. در این پژوهش به کمک روش گلوله‌برفی^۱ (ارجاع زنجیره‌ای) افراد خبره انتخاب شدند و تجزیه و تحلیل داده‌های بخش کیفی با استفاده از تکنیک تم و با نرم‌افزار MAXQUADA2022.4 انجام شد. در بخش کمی پژوهش، بر اساس نتایج حاصل از بخش کیفی، پرسش‌نامه بخش کمی تدوین گردید و جامعه آماری که شامل کلیه ساکنان (زنان و مردان) ۱۹ تا ۶۵ ساله شهر قزوین که تعداد آن‌ها مطابق آخرین سرشماری (سال ۱۳۹۵) برابر با ۵۹۶۹۳۲ می‌باشند (اولادی، رضا، ۱۳۹۵) URL1 با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه لازم به مقدار ۳۸۴ نفر انتخاب شد. در پژوهش حاضر، جمع‌آوری داده‌ها بر اساس مشاهدات میدانی با حضور فیزیکی در فضاهای مختلف مکان در یک دوره سه ماه انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌های کمی با استفاده از نرم‌افزار SPSS24 انجام شد و برای آزمون استنباطی مدل از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری از نرم‌افزار AMOS 24 استفاده شد. یافته‌های این پژوهش بینش‌های ارزشمندی را در مورد پویایی منطقه مورد مطالعه ارائه می‌دهد و به بدنه دانش موجود در این زمینه کمک می‌کند. فرایند دقیق جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، قابلیت اطمینان و اعتبار نتایج را تضمین می‌کند و درک جامعی از عوامل موثر بر پدیده مورد بررسی ارائه می‌دهد. این مطالعه به ادبیات روبه‌رشد در مورد این موضوع می‌افزاید و پیامدهایی برای دست‌اندرکاران، سیاست‌گذاران و تلاش‌های تحقیقاتی آینده دارد. در نهایت یافته‌های به دست آمده از طریق مدل تحلیل نهایی عوامل اثرگذار بر مبنای متغیر جنسیت (مدل مردان و زنان) ارائه گردیده است. باتوجه به پژوهش حاضر مسیر انتخابی ما از سبزه‌میدان تا چهارراه ولیعصر و خیابان خیام قائم بر این راسته را مورد بررسی قرار داده‌ایم. در واقع این دو خیابان قائم بر هم باتوجه به فضاهای شاخص آن از جمله میدان آزادی، سهراب خیام، چهارراه‌های متعدد ما را در راستای تحقیق و جستجو برای رسیدن به نتایج حاصل از پژوهش یاری می‌رسانند. (تصویر ۳)



تصویر ۲. URL2: نقشه شهر قزوین و جانمایی مسیرهای انتخابی پژوهش. (ماخذ: نقشه‌های GIS شهرداری قزوین)

علت انتخاب این نمونه‌ها برای این پژوهش بررسی طیف وسیعی از شهروندان برای بررسی مولفه‌های کیفی فضاهای عمومی شهر بود. تحلیل کیفی و بررسی پاسخها و نتایج گوناگونی انگیزه‌ها نشان خواهد داد که واکنش فضاهای شهر قزوین به شهروندان و برعکس معادله‌ای است که تنها با کشف سوگیری‌های سوژه‌ها حل خواهد شد. این سبب می‌شود که مسئولین و عاملین شهرسازی به تعادل ادراکی مکان‌ها و فضاها بر اساس نتایج این پژوهش اقدام کنند.

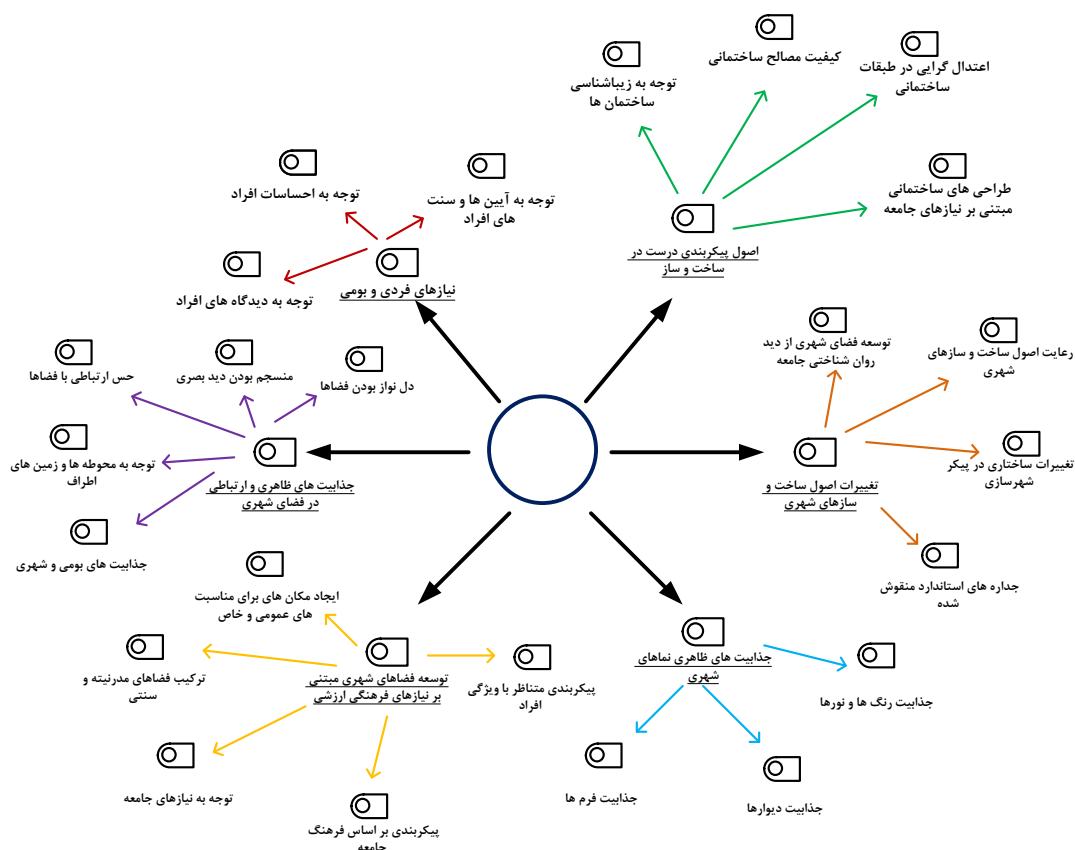
■ تحلیل یافته‌ها

در بخش تحقیق کیفی، با کدگذاری اولیه بر روی متون مصاحبه، عوامل موثر بر پیکربندی به‌یادماندنی فضاهای شهری برای شهروندان بر اساس جنسیت استخراج شد. پس از استخراج کدهای اولیه، محقق به دنبال موضوعات فرعی و اصلی با این فرض بود که چگونه کدهای اولیه مختلف را می‌توان برای ایجاد مضامین ترکیب کرد. سپس کدها را بر اساس شباهت‌های معنایی و مفهومی طبقه‌بندی کرده و آن‌ها را برای شناسایی مضامین ترکیب کرده است. در واقع هر موضوع به جنبه خاصی از داده‌ها اشاره دارد. این فرایند تعداد واحدهایی را که باید با آن‌ها کار کنیم کاهش می‌دهد. بعد از آن مضامین با توجه به ارتباط معنایی‌شان نام‌گذاری شدند. جدول ۲ و تصویر ۴ مضامین دسته‌بندی شده پیکربندی فضاهای شهری بر خاظره‌انگیزی برای شهروندان بر مبنای جنسیت را نشان می‌دهد.

جدول ۲. پیکربندی فضاهای شهری بر خاظره‌انگیزی برای شهروندان بر مبنای جنسیت (نگارندگان)

مضامین اصلی	مضامین فرعی
مولفه کالبدی	زیباشناسی نمای ساختمان
	مصالح ساختمانی
	فرم‌های ساختمانی
	طراحی فضا مبتنی بر نیازهای جامعه
مولفه اجتماعی و بومی	توجه به دسترسی افراد
	توجه به احساسات افراد
	توجه به آئین‌ها و سنت‌ها
مولفه فضایی	توجه به فضاها
	دید بصری
	حس ارتباطی با فضا
	توجه به محوطه‌ها و زمین‌های اطراف
	جذابیت‌های بومی و شهری
	پیکربندی بر اساس فرهنگ جامعه
	پیکربندی مناظر با ویژگی افراد

توجه به نیازهای افراد جامعه	مولفه فرهنگی و ارزشی
ترکیب فضاها	
مکان‌های مناسبی	
جذابیت رنگ و نورها	مولفه ادراکی
توجه به پیکربندی یا کالبد	
توجه به فرم‌ها	
توجه به گذرگاه‌ها و معابر	مولفه روان‌شناختی
توجه ساختاری در پیکر شهرسازی	
توجه به اصول ساخت‌وساز	
توجه به امنیت فضاها	



تصویر ۴. پیکربندی فضاهای شهری بر خاطره‌انگیزی برای شهروندان بر مبنای جنسیت با نرم افزار MAXQUDA۲۰۲۴،۴ (نگارندگان)

در بخش کمی پژوهش، در یک بخش پژوهشی کوچک، یافته‌های توصیفی توزیع پاسخ‌دهندگان بر اساس جنسیت نشان می‌دهد که تقریباً ۵۲/۱ درصد از افراد شرکت‌کننده زن و ۴۷/۹ درصد مرد هستند. علاوه بر این، توزیع اعضای نمونه بر اساس پیشرفت تحصیلی، تفکیک شده بر اساس جنسیت، نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی مربوط به افرادی است که دارای مدرک لیسانس است که شامل ۱۳۰ نفر است که معادل ۳۳/۹ درصد از کل پاسخ‌دهندگان است. این فراوانی در هر دو گروه زن و مرد بالاترین میزان را دارد. کمترین فراوانی مربوط به پاسخ‌دهندگان، دارای تحصیلات دیپلم پس از متوسطه است که تنها شامل ۳۱ نفر (معادل ۸/۱ درصد) است.

این یافته‌ها توزیع جنسیتی پاسخ‌دهندگان را با تفاوت قابل توجهی در نرخ مشارکت بین مردان و زنان روشن می‌کند. علاوه بر این، توزیع آموزشی شیوع پاسخ‌دهندگان با مدرک لیسانس را برجسته می‌کند که نشان‌دهنده نمایندگی بالاتر افراد با این سطح از تحصیلات در نمونه است. یافته‌ها حاکی از نیاز به بررسی بیشتر عوامل موثر بر نرخ مشارکت افتراقی بر اساس جنسیت و پیشرفت تحصیلی است. درک دلایل اساسی این نابرابری‌ها می‌تواند بینش‌های ارزشمندی را برای طراحی روش‌های تحقیقاتی فراگیرتر و اطمینان از بازنمایی متنوع در نمونه‌های مطالعه ارائه دهد.

■ تحلیل عاملی تاییدی (مدل اندازه‌گیری تحقیق)

یکی از چالش‌هایی که محققان در مطالعات خود با آن مواجه هستند، کاهش تعداد اجزا یا تشکیل ساختار جدید برای آن‌ها است، لذا بدین منظور روش تحلیل عاملی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بارهای عاملی با محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک مولفه با آن مولفه محاسبه می‌شوند. (جدول ۳) اگر این مقدار برابر یا بیشتر از ۰٫۴ باشد، نشان می‌دهد که واریانس بین مولفه و شاخص‌های آن بیشتر از واریانس خطای اندازه‌گیری آن مولفه است و قابلیت اطمینان در مورد مدل اندازه‌گیری قابل قبول است. این روش به محققان کمک می‌کند تا داده‌های خود را ساده کنند و عوامل زمینه‌ای را که به متغیرهای مشاهده شده کمک می‌کنند، شناسایی کنند. با کاهش تعداد متغیرها و شناسایی سازه‌های نهفته، تحلیل عاملی به کشف ساختار زیربنایی داده‌ها کمک می‌کند و منجر به درک جامع‌تری از پدیده مورد مطالعه می‌شود (داوری و رضاده، ۱۳۹۲).

جدول ۳. بارعاملی و اعداد معنی داری ابعاد مدل اندازه‌گیری (نگارندگان)

مولفه‌های تحقیق	زیرمولفه‌ها	بارعاملی	آماره تی	نتیجه
مولفه کالبدی	زیباشناسی نمای ساختمان	۰٫۵۷۸	۱۴٫۱۲	تایید
	مصالح ساختمانی	۰٫۵۱۱	۱۱٫۸۵	تایید
	فرم‌های ساختمانی	۰٫۴۷۳	۱۰٫۷۱	تایید
	طراحی فضا مبتنی بر نیازهای جامعه	۰٫۶۹۷	۱۹٫۴۱	تایید
مولفه اجتماعی و بومی	توجه به دسترسی افراد	۰٫۴۱۳	۸٫۵۰	تایید
	توجه به احساسات افراد	۰٫۸۶۱	۷٫۰۶۶	تایید
	توجه به آئین‌ها و سنت‌ها	۰٫۸۴۱	۷٫۷۶	تایید
مولفه فضایی	توجه به فضاها	۰٫۶۲۲	۶٫۵۴	تأیید
	دید بصری	۰٫۶۲۳	۷٫۴۱	تایید
	حس ارتباطی با فضا	۰٫۷۰۷	۵٫۹۰۱	تایید
	توجه به محوطه‌ها و زمین‌های اطراف	۰٫۶۸۸	۳٫۱۱	تایید
مولفه فرهنگی و ارزشی	جذابیت‌های بومی و شهری	۰٫۶۸۸	۴٫۳۲	تایید
	پیکربندی بر اساس فرهنگ جامعه	۰٫۴۹۳	۱۱٫۳۰	تایید
	پیکربندی متناظر با ویژگی افراد	۰٫۶۲۰	۱۵٫۷۴	تایید
	توجه به نیازهای افراد جامعه	۰٫۷۰۸	۱۹٫۹۷	تایید
	ترکیب فضاها	۰٫۷۴۳	۲۲٫۱۶	تایید
مولفه ادراکی	مکان‌های مناسبی	۰٫۴۸۷	۱۱٫۱۲	تایید
	جذابیت رنگ و نورها	۰٫۶۱۴	۱۵٫۵۲	تایید
	توجه به پیکربندی یا کالبد	۰٫۶۲۴	۱۵٫۹۲	تایید
	توجه به فرم‌ها	۰٫۷۵۶	۲۳٫۰۴	تایید
مولفه روان‌شناختی	توجه به گذرگاه‌ها و معابر	۰٫۴۵۶	۱۰٫۲۳	تایید
	توجه ساختاری در پیکر شهرسازی	۰٫۷۰۳	۲۴٫۴۷	تایید
	توجه به اصول ساخت‌وساز	۰٫۷۷۵	۱۹٫۹۲	تایید
	توجه به امنیت فضاها	۰٫۴۹۷	۱۱٫۴۳	تایید

باتوجه به معناداری بارهای عاملی تمامی شاخص‌های مدل اندازه‌گیری مولفه روان‌شناختی، در ادامه رویی و پایایی مدل اندازه‌گیری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۴. مقادیر شاخص‌های پایایی و رویی همگرا ابعاد مدل اندازه‌گیری (نگارندگان)

AVE	CR	آلفای کرونباخ	زیرمولفه‌ها	مولفه‌های تحقیق
۰,۵۲۷	۰,۹۱۳	۰,۸۹۹	زیباشناسی نمای ساختمان	مولفه کالبدی
۰,۶۲۳	۰,۸۸۸	۰,۸۶۱	مصالح ساختمانی	
۰,۶۱۹	۰,۸۲۸	۰,۷۸۵	فرم‌های ساختمانی	
۰,۶۷۸	۰,۸۶۳	۰,۷۶۲	طراحی فضا مبتنی بر نیازهای جامعه	
۰,۵۳۳	۰,۸۶۴	۰,۸۳۰	توجه به دسترسی افراد	مولفه اجتماعی و بومی
۰,۶۲۲	۰,۸۹۱	۰,۸۴۸	توجه به احساسات افراد	
۰,۵۶۰	۰,۸۴۸	۰,۷۸۱	توجه به آئین‌ها و سنت‌ها	
۰,۵۸۲	۰,۸۴۷	۰,۷۶۰	توجه به فضاها	مولفه فضایی
۰,۶۳۰	۰,۸۷۱	۰,۸۰۴	دید بصری	
۰,۵۶۲	۰,۸۳۶	۰,۷۳۷	حس ارتباطی با فضا	
۰,۷۱۵	۰,۹۰۹	۰,۸۶۷	توجه به محوطه‌ها و زمین‌های اطراف	
۰,۵۱۸	۰,۹۱۹	۰,۹۰۶	جذابیت‌های بومی و شهری	
۰,۶۸۲	۰,۸۳۲	۰,۷۵۲	پیکربندی بر اساس فرهنگ جامعه	مولفه فرهنگی و ارزشی
۰,۶۲۳	۰,۸۳۹	۰,۸۱۴	پیکربندی متناظر با ویژگی افراد	
۰,۶۱۲	۰,۸۱۴	۰,۷۶۳	توجه به نیازهای افراد جامعه	
۰,۶۱۵	۰,۹۲۳	۰,۸۴۱	ترکیب فضاها	
۰,۶۱۰	۰,۹۴۱	۰,۹۱۰	مکان‌های مناسبی	
۰,۷۳۳	۰,۸۴۱	۰,۷۲۰	جذابیت رنگ و نورها	مولفه ادراکی
۰,۶۱۶	۰,۸۳۶	۰,۸۵۸	توجه به پیکربندی یا کالبد	
۰,۶۶۰	۰,۸۴۰	۰,۷۴۲	توجه به فرم‌ها	
۰,۷۴۴	۰,۸۲۰	۰,۷۸۲	توجه به گذرگاه‌ها و معابر	مولفه روان‌شناختی
۰,۶۱۵	۰,۸۱۶	۰,۷۲۶	توجه ساختاری در پیکر شهرسازی	
۰,۷۶۱	۰,۸۵۳	۰,۷۵۰	توجه به اصول ساخت‌وساز	
۰,۷۵۲	۰,۷۹۰	۰,۷۴۵	توجه به امنیت فضاها	

مطابق با جدول ۴ مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای تمامی سازه‌های مدل بالاتر از ۰,۷ است که حاکی از پایایی مناسب مدل دارد. همچنین همانگونه که نتایج جدول نشان می‌دهد، مقدار همه متغیرها از ۰,۵ بیشتر است که حاکی از رویی همگرای قابل قبول مدل اندازه‌گیری است.

■ معیارهای برازش مدل ساختاری پژوهش

شاخص‌های برازش مدل CFA به همراه مقادیر مطلوب آن‌ها در جدول ۵ ارائه شده است. این شاخص‌ها نشان از برازش مطلوب مدل‌های اندازه‌گیری داشته و معناداری بارهای عاملی هر متغیر مشاهده شده به متغیر مکنون مربوطه را مورد تایید قرار می‌دهد.

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل ساختاری تحقیق (نگارندگان)

مقدار شاخص در مدل	مقدار استاندارد	علامت اختصاری	شاخص برازش
۱/۰۰۱	کمتر از ۳	χ^2/df	کای دو درجه آزادی
۰/۰۵۹	کمتر از ۰/۰۸	RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد
۰/۰۴	کمتر از ۰/۰۸	RMR	ریشه میانگین باقی‌مانده‌ها
۰/۹۷	بیشتر از ۰/۹	NNFI	شاخص برازش هنجار نشده
۰/۹۶	بیشتر از ۰/۹	CFI	شاخص برازش مقایسه‌ای یا تطبیقی
۰/۹۷	بیشتر از ۰/۹	IFI	شاخص برازش فزاینده
۰/۹۲	بیشتر از ۰/۸	GFI	شاخص نیکویی برازش
۰/۸۸	بیشتر از ۰/۸	AGFI	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده

یکی از شاخص‌های عمومی رایج، آماره کای اسکوئر نرمال شده است که با تقسیم مقدار مجذور کای بر درجات آزادی مدل محاسبه می‌شود. به طور معمول، مقادیر بین ۱ تا ۳ برای این شاخص قابل قبول در نظر گرفته می‌شوند. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، مقدار مدل مشخص شده ۶۹،۱ است که یک مقدار مناسب و قابل قبول است. باتوجه به اطلاعات جدول ۵ و شاخص‌های نیکویی برازش می‌توان نتیجه گرفت که مدل نظری مرتبط با مدل تحقیق قابل قبول است.

– معیار ضریب تعیین (R^2): مدل‌سازی معادلات ساختاری یک روش آماری است که برای آزمون و تخمین روابط علی بین متغیرهای اندازه‌گیری شده و سازه‌های نهفته استفاده می‌شود. این ابزار برای ترکیب اندازه‌گیری و اجزای ساختاری یک مدل است که به محققان اجازه می‌دهد تا اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای برون‌زا را بر روی متغیرهای درون‌زا بررسی کنند. یکی از ویژگی‌های کلیدی توانایی آن در کاهش خطای اندازه‌گیری در مدل‌ها یا افزایش واریانس بین سازه‌ها و شاخص‌ها است. با ترکیب متغیرهای مشاهده شده و مشاهده نشده، درک جامع‌تری از روابط اساسی در یک چارچوب نظری ارائه می‌دهد. محققان می‌توانند از این روش نه تنها برای ارزیابی تناسب مدل‌های نظری خود با داده‌های مشاهده شده، بلکه برای بررسی روابط بین چندین متغیر به طور هم‌زمان استفاده کنند. در نتیجه، این روش به‌عنوان یک ابزار ارزشمند برای محققانی که به دنبال درک تعامل پیچیده بین متغیرهای مشاهده شده و مشاهده نشده هستند، عمل می‌کند. توانایی آن در یکپارچه‌سازی اجزای اندازه‌گیری و ساختاری، آن را به روشی ضروری برای بررسی روابط علی و آزمایش مدل‌های نظری در رشته‌های مختلف تبدیل می‌کند. سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضریب تعیین ضعیف، متوسط و قوی در نظر گرفته می‌شود. باتوجه به مدل تحقیق مقادیر R^2 برای متغیرهای تحقیق مطابق جدول ۶ است و برازش مدل بر اساس این معیار در حد متوسط بررسی می‌شود.

جدول ۶. مقادیر R^2 (نگارندگان)

بررسی	R^2	متغیر
متوسط	۰،۴۳۱	مولفه کالبدی
متوسط	۰،۴۱۵	مولفه اجتماعی و بومی
متوسط	۰،۶۵۲	مولفه فضایی
متوسط	۰،۵۴۷	مولفه فرهنگی و ارزشی
متوسط	۰،۳۶۶	مولفه ادراکی
متوسط	۰،۴۰۸	مولفه روان‌شناختی

– **آزمون GOF** : معیار GOF مربوط به برازش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است. به این معنی که با استفاده از این معیار، محققین می‌توانند پس از بررسی برازش اجزای اندازه‌گیری و ساختاری مدل کلی تحقیق، برازش کلی را کنترل کنند. این آزمون اجازه می‌دهد تا ارزیابی جامعی از میزان تناسب کل مدل با داده‌ها انجام شود و بینش‌های ارزشمندی در مورد اثربخشی کلی مدل معادلات ساختاری ارائه دهد. با در نظر گرفتن معیار GOF، محققان می‌توانند اطمینان حاصل کنند که مدل‌های آن‌ها نه تنها از نظر اندازه‌گیری و مولفه‌های ساختاری، بلکه از نظر چارچوب مفهومی کلی به خوبی مطابقت دارند و در نتیجه دقت و اعتبار یافته‌های تحقیق خود را افزایش می‌دهند. با توجه به جدول ۷ و سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۵ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF و حصول عدد ۰/۴۹۷ برای این مدل، نشان از برازش قوی مدل کلی تحقیق است.

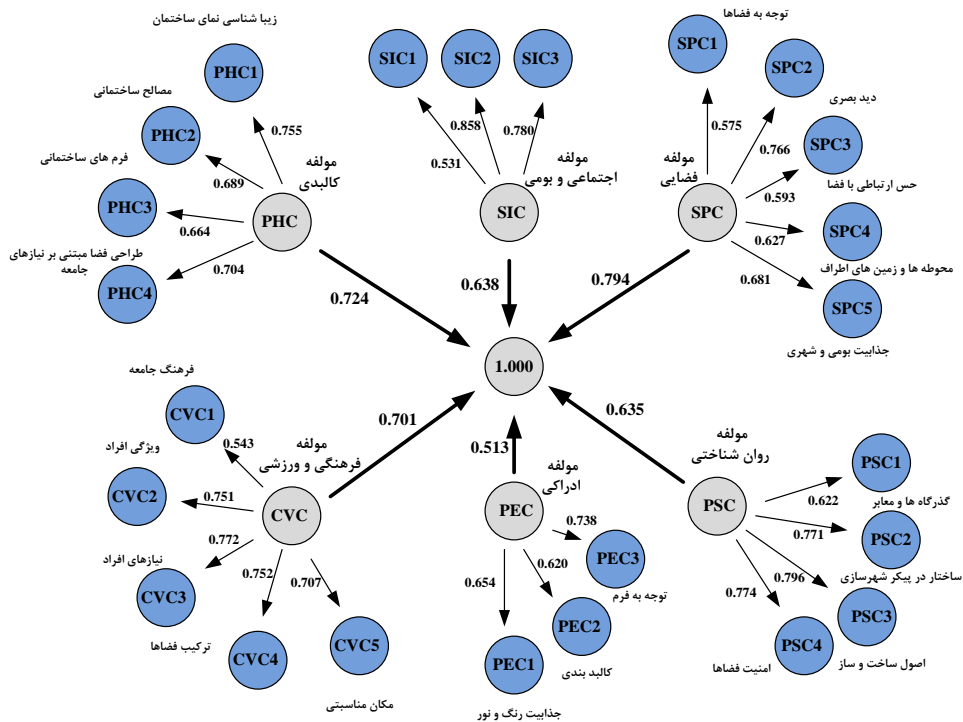
جدول ۷. میزان R^2 و communality متغیرهای پژوهش (نگارندگان)

متغیر	Communality	R^2
مولفه کالبدی	۰,۵۰۹	۰,۴۳۱
مولفه اجتماعی و بومی	۰,۵۲۷	۰,۴۱۵
مولفه فضایی	۰,۵۷۸	۰,۶۵۲
مولفه فرهنگی و ارزشی	۰,۵۱۷	۰,۵۴۷
مولفه ادراکی	۰,۵۱۹	۰,۳۶۶
مولفه روان‌شناختی	۰,۵۲۳	۰,۴۰۸
میانگین	۰,۵۲۸	۰,۴۶۹
GOF	۰,۴۹۷	$\sqrt{AveR^2 \times (Ave\ of\ communalities)}$

پس حال می‌توان به روابط درون مدل و مقادیر ضریب رگرسیونی بین متغیرهای پنهان پرداخت. برای آزمون مسیرهای مدل از شاخص جزئی (P-value) و عدد معناداری استفاده شده است و شرط معنادار بودن یک رابطه این است که مقدار شاخص اول (P-value) برای رابطه مورد نظر کمتر از ۰/۰۵ و یا مقدار شاخص دوم (t-value) از $\pm 1/96$ بیشتر باشد.

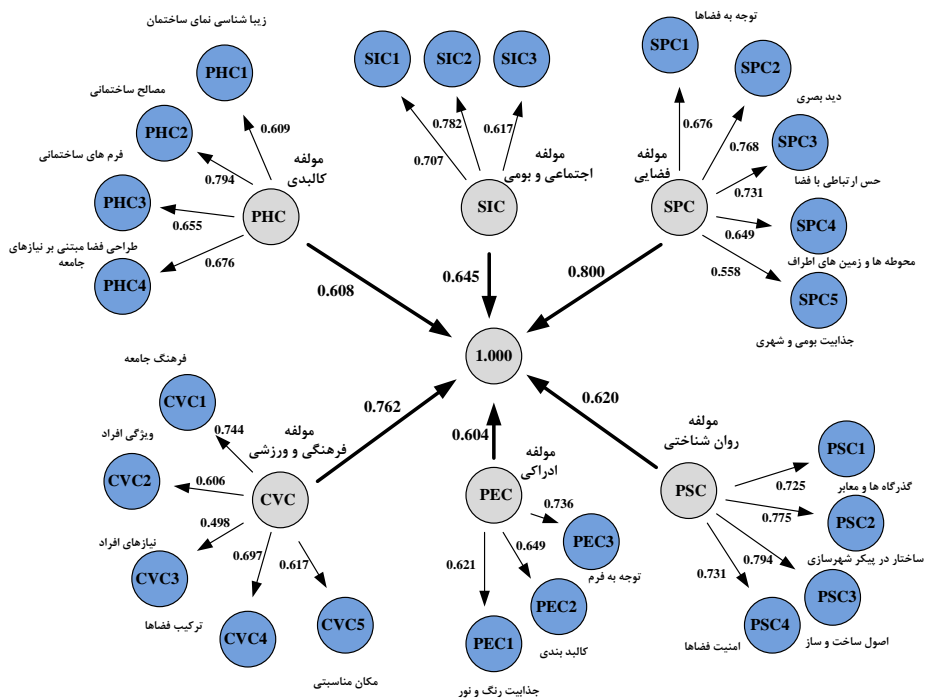
■ مدل ساختاری کلی

تحلیل مسیر (مدل ساختاری) تکنیکی است که روابط بین متغیرهای پژوهش را به طور هم‌زمان نشان می‌دهد. هدف از تحلیل مسیر، شناسایی علیت (تأثیر) بین متغیرهای مدل مفهومی پژوهش است. تصویر ۵ و ۶ مدل ساختاری تحقیق را در حالت ضرایب مسیر برای گروه زنان و مردان نشان می‌دهند.



Chi-square=278.467 Df=276 RMSEA=0.059 GFI=0.920 P-value=0.000

تصویر ۵. مدل ساختاری برازش شده تحقیق (تحلیل مسیر) برای گروه زنان (نگارندگان)



Chi-square=278.467 Df=276 RMSEA=0.059 GFI=0.920 P-value=0.000

تصویر ۶. مدل ساختاری برازش شده تحقیق (تحلیل مسیر) برای گروه مردان (نگارندگان)

برای بررسی تفاوت بهره‌بردن از خاطره‌انگیزی در پیکربندی فضای شهری بین زنان و مردان شهر قزوین، با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه‌ها برای هر دو گروه، مدل تحلیلی به طور جداگانه مورد استفاده قرار گرفت. این مطالعه باهدف درک چگونگی درک و تعامل مردان و زنان با عناصر خاطره‌انگیزی در محیط شهر انجام شد. این یافته‌ها الگوهای متمایز در نحوه درگیر شدن مردان و زنان با ویژگی‌های نوستالژیک در فضاهای شهری را نشان داد. این نشان می‌دهد که جنسیت نقش مهمی در شکل‌گیری تجربه افراد از نوستالژی در شهر دارد. این مطالعه بینش‌های ارزشمندی را برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری فراهم می‌کند تا ترجیحات و تجربیات جنسیتی را هنگام طراحی و مدیریت فضاهای شهری در نظر بگیرند تا رفاه و رضایت کلی مردان و زنان در قزوین افزایش یابد. تحقیقات بیشتر در این زمینه می‌تواند به رویکردی فراگیرتر و حساس به جنسیت در برنامه‌ریزی و طراحی شهری کمک کند. اساس نتایج نمودار ۶ و ۷ میزان تأثیرپذیری احساس خاطره‌انگیزی در گروه مردان در مولفه‌های اجتماعی و بومی ($B=0/645$)، مولفه‌های فضایی ($B=0/800$)، مولفه‌های فرهنگی و ارزشی ($B=0/762$)، مولفه‌های ادراکی ($B=0/604$) نسبت به گروه زنان بیشتر می‌باشد. بر اساس ضرایب مشاهده شده در تمامی متغیرهای مورد مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که تأثیر مردان بر پیکربندی و طراحی فضاهای شهری ذکر شده در ایجاد حس خاطره‌انگیزی در شهر قزوین بیشتر از زنان است. زنان احساس مشارکت کمتر و ضعیف‌تری دارند. این نشان می‌دهد که طراحی و چیدمان فضاهای شهری در قزوین ممکن است به طور کامل نیازها و ترجیحات زنان را برآورده نکند و به طور بالقوه منجر به تجربه شهری کمتر به‌یادماندنی و رضایت‌بخشی برای آن‌ها شود. این بینش بر اهمیت در نظر گرفتن دیدگاه‌های جنسیتی خاص در برنامه‌ریزی و طراحی شهری برای ایجاد فضاهای فراگیر و به‌یادماندنی برای همه ساکنان شهر تأکید می‌کند. تحلیل طراحی فضای شهری روند مشابهی از نابرابری‌های جنسیتی را نشان می‌دهد. پیکربندی مکان‌های عمومی، پارک‌ها و مناظر خیابانی اغلب بیشتر به نیازها و ترجیحات مردان پاسخ می‌دهد و تجارب و نیازهای متنوع زنان را نادیده می‌گیرد. در نتیجه، زنان ممکن است احساس حاشیه‌نشینی کنند و کمتر با آن ارتباط برقرار کنند بدین معنا که نتایج نشان می‌دهد که زنان میان حقوق خود در ایجاد پیکربندی فضاهای شهری و تعلق خاطره‌انگیزی به شهر ارتباط معناداری می‌بینند. نتایج در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸. نتایج آزمون T برای کلیه مولفه‌های تحقیق بر اساس مدل ساختاری (نگارندگان)

گروه زنان			گروه مردان			مدل
P	T	ضریب ضریب مسیر	P	T	ضریب ضریب مسیر	مسیرهای رگرسیون
0/000	7/58	0/724	0/000	8/38	0/608	مولفه‌های کالبدی <----> خاطره‌انگیزی
0/000	8/35	0/638	0/000	7/42	0/645	مولفه‌های اجتماعی و بومی <----> خاطره‌انگیزی
0/000	13/62	0/794	0/000	12/78	0/800	مولفه‌های فضایی <----> خاطره‌انگیزی
0/000	11/63	0/701	0/000	11/45	0/762	مولفه‌های فرهنگی و ارزشی <----> خاطره‌انگیزی
0/000	9/80	0/513	0/000	9/84	0/604	مولفه‌های ادراکی <----> خاطره‌انگیزی
0/000	7/82	0/635	0/000	7/85	0/620	مولفه‌های روان‌شناختی <----> خاطره‌انگیزی

■ تحلیل تعدیلگری متغیر جنسیت

در این قسمت تاثیر متغیر جنسیت در رابطه‌های بین متغیرها با بهره‌گیری از پاسخ‌های تحلیل نرم‌افزار AMOS24 سنجیده می‌شود. نتایج در جدول ۹ آمده است.

جدول ۹. تاثیر تعدیل‌گری متغیر جنسیت در روابط بین متغیرها (نگارندگان)

FEMALE			MALE		مدل
Z-score	P	Estimate	P	Estimate	
-۲/۳۴۵**	۰/۰۰۸	۰/۳۴۵	۰/۰۰۰	۰/۸۷۴	جنسیت <---- پیکربندی فضای شهری
۱/۲۱۴	۰/۰۰۰	۰/۶۲۸	۰/۰۰۰	۰/۴۲۲	پیکربندی فضای شهری <---- خاطره‌انگیزی
۳/۵۳***	۰/۰۰۰	۰/۲۷۳	۰/۳۱۸	۰/۰۳۱	جنسیت <---- خاطره‌انگیزی

بر اساس جدول فوق، پیوند بین متغیرهای اصلی در هر گروه، به جز رابطه جنسیت با نوستالژی (۰/۳۱۸ و ۳۱/۰ = ضریب رگرسیون غیر استاندارد)، در گروه مردان معنادار است. از آنجایی که مقدار Z-SCORE در روابط بین جنسیت و پیکربندی فضایی شهری و همچنین جنسیت و ایجاد خاطره بالاتر از ۱/۹۶ است، می‌توان گفت که جنسیت بر این روابط تاثیر گذاشته یا نقش تعدیل کننده‌ای داشته است. رابطه مثبت بین مولفه‌های کالبدی و خاطره‌انگیزی با افزایش برابری جنسیتی به طور قابل توجهی قوی‌تر می‌شود. همچنین، پویایی جنسیت می‌تواند بر نحوه درک و تعامل افراد با محیط شهری خود و همچنین نحوه شکل‌گیری خاطرات تاثیر بگذارد. یافته‌ها اهمیت در نظر گرفتن دیدگاه‌های جنسیتی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، و همچنین در درک ارتباطات عاطفی افراد با محیط اطراف خود را نشان می‌دهد.

■ نتیجه‌گیری

فضاهای شهری تاثیر زیادی بر کیفیت زندگی شهروندان داشته و می‌توانند با ایجاد آرامش و برطرف ساختن نیازهای شهروندان، زندگی شهری را مطلوب سازند. از طرفی دیگر، فضاهای شهری خود تاثیرپذیرند و عوامل متعددی می‌توانند بر کیفیت آن‌ها تاثیر گذارند. از این رو تحقیق حاضر به دنبال بررسی تاثیرات مولفه‌های کیفی فضاهای عمومی در ایجاد خاطره‌انگیزی بر مبنای جنسیت (مطالعه موردی فضاهای شهری قزوین) می‌باشد. در مرحله اول، با استفاده از مصاحبه، ۶ مولفه اصلی و ۲۴ مولفه فرعی را به عنوان مولفه‌های کیفی فضایی که بر خاطره‌انگیزی بر مبنای جنسیت موثر بودند شناسایی شد، سپس با استفاده از داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه شهروندی و تحلیل عاملی و معادلات ساختاری ۶ عامل کالبدی، اجتماعی و بومی، فضایی، فرهنگی و ارزشی، ادراکی و روان‌شناختی در قالب مولفه‌ها قرار گرفتند. در ادامه به بررسی تفاوت دیدگاه زنان و مردان در مورد تاثیر این عوامل بر کیفیت فضاهای شهری در شکل‌گیری حس خاطره پرداخته شد و نتایج نشان داد در مولفه‌های اجتماعی و بومی، مولفه‌های فضایی، مولفه‌های فرهنگی و ارزشی، مولفه‌های ادراکی در دیدگاه زنان و مردان تفاوت‌های وجود دارد و بهره‌مندی مردان از پیکربندی و طراحی فضاهای شهری مورد اشاره در ایجاد حس خاطره‌انگیزی در شهر قزوین بیشتر از گروه زنان است و زنان سهم کمتری و کم‌رنگ‌تری را احساس می‌کنند. اما در عوامل کالبدی، روان‌شناختی تفاوت دیدگاه زنان بیشتر مشاهده گردید. بدین معنا که نتایج نشان می‌دهد که زنان میان حقوق خود در ایجاد پیکربندی فضاهای شهری و تعلق خاطره‌انگیزی به شهر ارتباط معناداری می‌بینند.

این نتایج با نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط محمد ترابی (۱۳۹۱)، سپیده وطن‌خواه (۱۳۹۷)، مهیار اردشیری (۱۳۹۲)، قاسم ادهمی (۱۳۹۴)، آرش صدری و حمید گوهری (۱۳۹۷)، علیمردانی و مهدی‌نژاد (۱۳۹۸)، چوسان یو و سوجی لی (۲۰۲۲)، بروس پادوپنیک (۲۰۱۷) و لیدن (۲۰۱۳) همسو می‌باشد.

در بررسی‌های نظری به این نکته اشاره شده است که تخصیص و استفاده از فضاهای عمومی تجربه‌ای است که برای همه افراد یکسان نیست. به‌عنوان متغیرهایی مانند سن، جنسیت، گروه‌های اجتماعی و اقلیت‌های ملی و نژادی بر نحوه درک و استفاده از فضاهای عمومی تاثیر می‌گذارند. همان‌طور که گفته شد، اکنون پذیرفته شده است که همه شهروندان باید از فرصت‌ها و شرایط برابر در دسترسی و استفاده از فضاهای شهری برخوردار باشند؛ بنابراین محدودیت‌های دسترسی گروه‌های خاص در فضاهای شهری بارها از منظر حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است. فضای عمومی همیشه به‌عنوان فضایی تحت سلطه مردان تلقی شده است و این امر مانع از برخورداری دیگر گروه‌های ناتوان از جمله زنان از حق شهر شده است؛ بنابراین برخورداری زنان و مردان از حق شهر یکسان نیست و یا به عبارتی زنان در این پژوهش نیز معتقدند عدم حضور آنان در فضا موجب شده است که آنان از حق شهر نسبت به شهر کمتر برخوردار باشند.

درواقع زنان به دنبال حقوق خود در عرصه‌های عمومی هستند. زنان بر این باورند که فضاهای عمومی باید عاری از سلطه مردان باشد و باید بتوانند حضور، کنش، ثبت حافظه جمعی و احساس تعلق را در حد مردان مطالبه کنند. مهم است که بدانیم موضوع دسترسی و استفاده از فضاهای عمومی صرفاً مربوط به دسترسی فیزیکی نیست، بلکه موانع اجتماعی و فرهنگی است که گروه‌های خاصی را از برخورداری کامل از حقوق خود در محیط‌های شهری بازمی‌دارد؛ بنابراین، رفع این موانع در دستیابی به عدالت اجتماعی و برابری واقعی در شهر بسیار مهم است. تلاش‌ها برای پرداختن به این مسائل نه تنها شامل تغییرات فیزیکی در فضاهای شهری است بلکه تغییرات اجتماعی و فرهنگی گسترده‌تری را می‌طلبد. یکی از پیامدهای کلیدی ایجاد خاطره در فضاهای عمومی، پرورش حس مکان و تعلق در میان مردم است. هنگامی که رویدادها یا چهره‌های مهم در فضاهای عمومی گرامی داشته می‌شوند، ارتباط مشترک با تاریخ و میراث شهر را تقویت می‌کند.

خلق خاطره در فضاهای عمومی نه تنها تاثیر اجتماعی و فرهنگی دارد، بلکه در شکل‌گیری محیط کالبدی یک شهر نیز نقش دارد. شواهد فراوانی وجود دارد که حقوق زنان در فضاهای شهری به دلیل محدودیت‌های فرهنگی و پویایی قدرت مردسالارانه، در ساخت فضاهای عمومی نادیده گرفته شده است. توجه به نیازها و تجربیات متنوع زنان در طراحی و برنامه‌ریزی محیط‌های شهری برای ایجاد شهرهای فراگیر و عادلانه ضروری است. (پورمحمدی، ۱۳۹۸، ۷). به‌طور کلی، عدالت و برابری زمانی تهدید می‌شود که دسته‌بندی‌های اجتماعی، سیاسی، مذهبی، جنسیتی و موارد مشابه به طور غیرمنطقی افراد را از یکدیگر جدا می‌کند. رویکرد جنسیتی یکی از ناعادلانه‌ترین موارد نقض حقوق بشر است. جامعه مدنی مبتنی بر تنوع فراگیر است، یعنی حقوق اجتماعی برابر برای همه افراد در تمام جنبه‌های زندگی جمعی اعمال شود؛ علی‌رغم پنج حق پیشنهادی لوفور^۱، شامل حق مشارکت، تخصیص فضای شهری به شهروندان، مرکزیت، شهروندی و تعامل اجتماعی، شهرهای کنونی نتوانسته‌اند عدالت جنسیتی را در حق شهر تضمین کنند. هدف این مقاله تحلیل فضاهای شهری عمومی از نظر خاطره‌انگیز بودن با تمرکز بر جنسیت است. این مقاله به بررسی سطح ادراک حافظه جمعی در بین گروه‌های مختلف جنسیتی و ارتباط آن با پیکربندی فضایی شهری و عدالت جنسیتی در شهر قزوین می‌پردازد. اقدامات فوری برای تضمین شرایط برابر زنان در مقایسه با مردان در فضاهای شهری مورد نیاز است و پرداختن به برابری جنسیتی در حقوق شهرداری ضروری است. بر اساس مبانی نظری، مدل پژوهش به‌منظور بررسی رابطه بین مولفه‌های پیکربندی فضاهای شهری به‌عنوان مفهومی تاثیرگذار در خلق و ثبت تجارب به‌یادماندنی و عدالت جنسیتی طراحی شده است. این امر متاثر از معیارهای فراهم‌آوردن بستر مناسب برای ارتقای نقش زنان در گفتمان‌های شهری و فرایندهای تصمیم‌گیری است. پیکربندی فضاهای شهری نقش مهمی در شکل‌گیری تجربیات و خاطرات شهروندان دارد. عناصر مختلفی مانند طراحی معماری، امکانات عمومی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل و چیدمان کلی محیط شهری را در برمی‌گیرد. علاوه بر این، پیکربندی فضاهای شهری

می‌تواند تاثیر عمیقی بر پویایی جنسیتی درون شهر داشته باشد. در نتیجه، پیکره‌بندی فضاهای شهری نقش مهمی در شکل‌گیری تجربیات ساکنان شهر ایفا می‌کند و تاثیر بسزایی در پویایی‌های جنسیتی در شهر دارد. با ادغام مفهوم عدالت جنسیتی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، شهرها می‌توانند محیط‌های فراگیرتر، عادلانه‌تر و توانمندتر را برای همه ساکنان ایجاد کنند. این شامل فراهم کردن بسترهایی برای مشارکت فعال زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری، از بین بردن موانع توانایی و ظرفیت، و افزایش عاملیت فعال و فرصت‌ها برای زنان برای اثبات حضور خود در شهر است. در نهایت، پذیرش عدالت جنسیتی در فضاهای شهری برای ایجاد شهرهای واقعا فراگیر، متنوع و نماینده که به همه اعضای جامعه پاسخ دهند، ضروری است.

به‌منظور سنجش برآزش مدل نظری پژوهش، بر چهار شاخص کای اسکوتر، شاخص برآزش مقایسه‌ای صرفه‌جویی (PCFI)، شاخص برآزش مقایسه‌ای (CFI) و ریشه میانگین مربعات خطای تقریبی (RMSEA) تاکید شد؛ بنابراین، همسویی مطلوبی بین مدل فرموله شده و داده‌های تجربی مشاهده شد. همچنین نتایج، حاکی از برآزش خوب مدل می‌باشد. به عبارتی، داده‌های مشاهده شده با مدل مفهومی تحقیق همسو می‌باشد. در بخش دیگری از پژوهش، به بررسی تفاوت‌های جنسیتی در استفاده از فضاهای عمومی شهر قزوین پرداخته شده است. نتایج حاکی از آن است که مردان در فضاهای شهری نسبت به زنان دسترسی بیشتری به حق شهر دارند. همان‌طور که یافته‌ها نشان داد، میانگین همه متغیرها در گروه زنان کمتر از گروه مردان بود. از این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که حق زنان بر شهر در فضاهای شهری نادیده گرفته شده است. این موضوع ریشه در نابرابری‌های جنسیتی و جنسیتی بودن فضاهای شهری دارد که تا حد زیادی به تسلط روابط قدرت و ساختارهای مردسالار نسبت داده می‌شود. یافته‌های این تحقیق نیاز مبرم به مداخلات و سیاست‌هایی را نشان می‌دهد که به نابرابری‌های جنسیتی در فضاهای شهری می‌پردازند.

ایجاد محیط‌های شهری فراگیر و ایمن که دسترسی و فرصت‌های برابر را برای همه افراد بدون در نظر گرفتن جنسیت فراهم کند، ضروری است. این امر می‌تواند از طریق اقداماتی مانند بهبود روشنایی و امنیت در فضاهای عمومی، ترویج برنامه‌ریزی و طراحی شهری حساس به جنسیت و افزایش حضور زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری مرتبط با توسعه شهری محقق شود. این امر مستلزم به چالش کشیدن هنجارها و نقش‌های جنسیتی سنتی، ارتقای توانمندسازی و عاملیت زنان، و مشارکت فعال مردان در تلاش برای ترویج برابری جنسیتی است. موضوع مورد بحث بر اهمیت برنامه‌ریزی و مدیریت شهری که به شیوه‌ای شفاف و فراگیر و با مشارکت فعال شهروندان به‌ویژه زنان انجام شود، تاکید می‌کند. حضور کم‌رنگ زنان در مدیریت شهر قزوین موجب تضعیف حقوق شهری در فضاهای عمومی می‌شود.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در فضاهای عمومی شهر قزوین، عدم توجه به جنسیت در فرایند طراحی شهری، منجر به جلوگیری از استفاده کامل از فضا توسط زنان شده است. در نتیجه، حق زنان در شهر محدود شده است و حس خاطره‌انگیزی در میان زنان تا حدودی سرکوب شده است؛ بنابراین ایجاد چارچوبی برای فراهم‌آوردن شرایط و فرصت‌های مناسب برای دسترسی، استفاده و مشارکت همه شهروندان به‌ویژه زنان در برنامه‌ریزی فضاهای عمومی شهری باید در اولویت سیاست‌گذاران شهری قرار گیرد. در این راستا، اجرای رویکردی مبتنی بر حقوق شهروندی در قالب حق بر شهر می‌تواند چاره‌ساز باشد. این امر منوط به برنامه‌های عملیاتی برای حمایت از گروه‌های زنان و توانمندسازی زنان، از جمله مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری و روابط قدرت، در کنار همکاری در مسائل مربوط به جنسیت است. در این راستا اصلاح نهادها برای ایجاد حقوق بشر و فرصت‌های برابر بدون در نظر گرفتن جنسیت می‌تواند به‌عنوان راهکارهای علمی و عملی پیشنهاد شود. شایان ذکر است که هر چه بیشتر بر ضرورت این امر تاکید کنیم، بیشتر آشکار می‌شود که حذف زنان از سطوح جزئی، موجب حذف آنان از سطوح کلی می‌شود. حضور زنان در شهر در هر سطحی این پیام را به زنان و مردان می‌دهد که شهر برای هر دو جنس ساخته شده است و باید در کنار مردان به نیازها و مطلوبیت‌های زنان توجه داشته باشد. در نهایت، شهر باید به مکانی ایده‌آل برای همه شهروندان تبدیل شود، جایی که هر دو جنس احساس کنند حقوق آن‌ها رعایت می‌شود. با یادآوری

خاطرات و ایجاد حس تعلق، شهر و ساکنان آن می‌توانند پیوند خود را تقویت کنند و آن‌ها را به سمت ویژگی‌های برجسته اجتماعی هدایت کنند.

در پایان به منظور افزایش رضایتمندی شهروندان و استفاده‌کنندگان از فضا، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- طراحی رویکرد اجرایی مبتنی بر حقوق شهروندی در قالب هویت سازی و شناخت حافظه جمعی.
- بالابردن میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های شهری با استفاده از راهکارهای نهادی و فرهنگی.
- بررسی و مطالعه تطبیقی تجارب جهانی پیاده‌سازی حقوق شهری جهت ارائه الگوهایی متناسب با شرایط ساختاری نهادی ایران.
- ایجاد یک چارچوب مناسب به منظور سهولت در دسترسی و استفاده و مشارکت تمام شهروندان و به‌ویژه زنان در برنامه‌ریزی فضاهای عمومی شهری.
- ایجاد مکانیسم‌های نهادی برای توانمندسازی و مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های محلی.
- توسعه فضاهای عمومی باهدف دستیابی به ایده شهرنشینی به‌عنوان یکی از ابعاد بنیادین حقوق شهری.
- برنامه‌ریزی و ایجاد فضاهای شهر با توجه به ایجاد حس خاطره و هویت شهری گروه زنان و مردان، با نگاهی به رعایت حقوق شهروندی در سطح شهر.
- طراحی مبلمان‌های شهری در سامانه‌های حمل‌ونقل عمومی و طراحی امکانات شهری متناسب با نیازهای زنان باردار، کودکان، افراد توان‌خواه و سالمندان.
- انتخاب شهرداران زن و تلاش برای برقراری ارتباط مستمر بین سازمان‌های مردم‌نهاد و شورای شهر و نیز بهره‌گیری از فعالان مدنی به‌عنوان مشاور و استفاده از تجربیات آنان.
- راه‌اندازی و تقویت شوراهای محله و استفاده از بستر این شوراهای برای جلب مشارکت زنان در طراحی فضای شهری.
- تشکیل سازمان‌های غیردولتی (NGO)، سازمان‌های مبتنی بر جامعه (CBC) و گروه‌های خودیاری (SHGs) برای کمک به ایجاد ظرفیت زنان برای مشارکت در امور جمعی، آموزش و افزایش آگاهی زنان در مورد حقوق و مسئولیت‌های شهروندان می‌تواند اثربخش باشد.

پی‌نوشت

۱. Snow Ball

۲. Lefort

فهرست منابع

- اسکندری، پدram و فولادی وندا، مهسا و فیجانی، شکیلا. (۱۳۹۴). *شناسایی مولفه‌های خاطره‌ساز در طراحی فضاهای عمومی کوالالامپور*. ۱، ۱۷-۱.
- پاکزاد، جهان‌شاه و بزرگ، حمیده. (۱۳۹۱). *الفبای روان شناسی محیط برای طراحان*. تهران: انتشارات آرمانشهر.
- پوراکبر، حمیدرضا و عباس‌زاده، شهاب. (۱۴۰۰). *ساختمان خانه‌های ارزان در ایران*. معماری‌شناسی، ۴(۱۸)، ۵۱-۱.
- پورحسین‌روشن، حمید و پورجعفر، محمدرضا و علی‌اکبری، صدیقه. (۱۴۰۰). *تبیین عدالت جنسیتی در فضاهای شهری مطالعه موردی: فضای شهری مجموعه خواهر امام رشت*. فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۴(۱۰)، ۱۴۵-۱۱۵.
- پورمحمدی، محمدرضا و روستایی، شهرپور و خضرنژاد، پخشان. (۱۳۹۸). *بررسی نقش حق به شهر بر احساس تعلق در میان گروه‌های جنسیتی (مطالعه موردی: فضاهای عمومی ارومیه)*. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری. ۱۷(۱)، ۱۹-۱.
- ترکشوند، عباس و جهان‌بخش، حیدر و کریمی‌نژاد، مریم. (۱۳۹۶). *بازشناسی مولفه‌های تاثیرگذار بر شکل‌گیری هویت و خاطره جمعی در فضاهای شهری پیرامون پل‌های تاریخی*. معماری و شهرسازی ایران، ۳۱(۳)، ۱۴-۵.
- تمدن، رویا. (۱۳۸۲). *کاربست تئوری چیدمان فضای: شهرک امید*. جستارهای شهرسازی، ۷(۷)، ۳۹-۳۷.
- داوری، علی و رضازاده، آرش. (۱۳۹۲). *مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS Smart*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- دیده‌بان، محمد و پوردیهیمی، شهرام و ریسمانچیان، امید. (۱۳۹۲). *روابط بین ویژگی‌های شناختی و پیکره‌بندی فضایی محیط مصنوع، تجربه‌ای در دزفول*. دوفصلنامه مطالعات معماری ایران، ۴(۴)، ۶۵-۳۷.
- رحیمی، اکبر و واعظی، موسی و محمدی، حجت و باکویی، مائده. (۱۳۹۷). *ارزیابی عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهری، مطالعه موردی: مرکز شهر تبریز*. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، ۹(۳)، ۲۴۳-۲۱۹.
- رضویان، محمدتقی. (۱۳۸۱). *برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری*. تهران: منشی.
- ریسمانچیان، امید و سایمون، بل. (۱۳۸۹). *شناخت کاربردی روش چیدمان فضا در درک پیکره‌بندی فضایی شهرها*. نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۲(۴۳)، ۵۶-۴۹.
- عسگری، علی و نقیبی‌راد، پرستو. (۱۳۹۲). *ضرورت و معیارهای ثبت و ایجاد خاطره‌ی جمعی در فضای باز شهری*. همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان.
- کرمی، سروش و فخرایی، عباس و کرمی، ساناز و رسولی، محمدمهدی. (۱۳۹۵). *ارزیابی معیارهای موثر بر خاطره‌انگیزی و تصویرپذیری فضاهای شهری*. نشریه مطالعات محیطی هفت حصار، ۵۶(۳)، ۴۴-۳۵.
- نادری، سارا. (۱۳۹۲). *درآمدی بر روایت زنانه از شهر*. تهران: تیسرا.
- نظریان، اصغر. (۱۳۷۰). *گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرک‌های اقماری*. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱(۱)، ۱۳۹-۹۷.
- هاشمی، نسا و رستمی، مسلم. (۲۰۲۴). *اولویت بندی نواحی شهری به منظور احداث فضای سبز (پارک‌ها) (نمونه موردی: منطقه ۳ شهرداری کرمانشاه)*. مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۸(۴)، ۱۷۰-۱۵۵.
- URL1: فولادی، رضا. (۱۳۹۵). *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۹۵*. از <https://irna.ir/xjzXqK>
- URL2: شهرداری قزوین. (۱۳۹۲). نقشه نواحی شهرداری قزوین. از <https://images.app.goo.gl/59BZPRWdzNQChubE>
- Beebejaun, Yasminah. (2016). *Gender, urban space, and the right to everyday life*. *Journal of Urban Affairs*, 39(3), 323-334.
- Eyerman, Ron. (2002). *Music in movement: Cultural politics and old and new social movements*. *Qualitative Sociology*, 25, 443-458.

- Fenster, Tovi. (2005). *Identity issues and local governance: Women's everyday life in the city*. *Social identities*, 11(1) ۲۱-۳۶.
- Franck, Kevin. (2002). *Women and Environment*. *Handbook of Environmental Psychology New York*, 347-362.
- Halbwachs, Maurice. (1990). *Space and collective memory*. *Studies on contemporary cultures*, ۳(۹), 11-40.
- Holmes, Mary. (2008). *Gender and everyday life*. (Mohammad Mahdi Labibi, Trans). tehran: afkar publication.
- Hull IV, R. Bruce. & Lam, Mark. & Vigo, Gabriela. (1994). *Place identity: symbols of self in the urban fabric*. *Landscape and urban planning*, 28(2-3), 109-120.
- Johnson Mohamadi, Asal. & Miles, Rebecca. (2014). *Toward more inclusive public spaces: Learning from the everyday experiences of Muslim Arab women in New York City*. *Journal of Environment and Planning A*, 46(8), 1892-1907.
- Lewicka, Maria. (2008). *Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past*. *ournal of environmental psychology*, 28(3), 209-231.
- Lim, William Siew-Wai. (200۰). *Memories and urban places.. City*, ۴(۲), ۲۷۰-۲۷۷.
- Lynch, Kevin. (1972). *What time is this place?*. Cambridge, mass: the MIT press.
- Rossi, Aldo. (1982). *The Architecture of the city*. Cambridge, mass: the MIT press.
- Shakibmanesh, Amir. & Ghorbanifar, Mahshid. (2018). *Effects of Urban Spatial Configuartion and Physical Structure on Pedestrians Perception of Subjective Duration*. *Intraction Design and Architecture*, (36), 95-117.
- Stevenson, Deborah. (2013). *Cities of culture: A global perspective*. New York: Routledge.
- Tuan, Yi-Fu. (1977). *Space and place: The perspective of experience*. London: University of Minnesota Press.